



آتش بس عیدانه؛

طرف های درگیر سه روز را در آرامش سپری کردند



برقراری آتش بس میان حکومت و گروه طالبان در روزهای عید کاهش خشونت ها را در پی داشته و دو طرف روزهای آرام را سپری کردند. با آن که یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر در گزارش شش ماهه شان میان گین تلفات غیرنظامیان را به ترتیب ۲۰ و ۱۶ تن خوانده بود، اما این میان گین در روزهای عید به هفت تن کاهش یافت. بیش تر تلفات غیرنظامیان در روز عید نیز برخاسته از انفجار ماین های کنار جاده بوده که در آن شش تن کشته و ۱۴ تن دیگر زخم برداشتند. هر چند رئیس جمهور غنی در پیام عیدی اش خواستار دوام آتش بس شد، اما طالبان تا پایان روز گذشته در این مورد موفق گیری نکردند. پیش از این، یوناما گفته است که آتش بس در روزهای عید کاهش چشمگیر خشونت ها را در پی داشته و نشان می دهد که اگر دو طرف «واقعا بخواهند و اراده سیاسی داشته باشند»، خشونت ها کاهش می یابد.

۳



آخرین روز برای ثبت دارایی ها؛

نزدیک به ۲۰ هزار مقام دارایی های شان را ثبت کرده اند

۳

نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی

۵

آتش بس موقت یا نوید ختم جنگ

در دهه اخیر افغانستان شاهد تلاش های بیش تر به منظور حل تنش های مسلحانه از راه مسالمت آمیز بوده است. با آن که خصوصیت پروسه صلح شکننده بودن آن است، اما در عین حال این پروسه زیربنای مهمی برای کنار گذاشتن جنگ و رسیدن به آشتی است. افغانستان یکی از طولانی ترین جنگ های پسا جنگ جهانی دوم را شاهد است.

۴



داعش به دنبال جذب طالبان ناراضی از مذاکرات صلح با ایالات متحده



یکی از فرماندهان گروه معروف به داعش - شاخه ولایت خراسان، گفت: «پس از تلفات اخیر در میدان های جنگ بخش اعظم این گروه در مناطق دوردست ولایت کنر، جایی که درختان انبوه جنگلات آن ها را از دید حملات هوایی محافظت می کند، پناه برده اند.»

۵

حکومت ۳۱۷ زندانی دیگر طالبان را رها کرد

۸ صبح، کابل: دفتر شورای امنیت ملی اعلام کرد که ۳۱۷ زندانی دیگر گروه طالبان از سوی دولت آزاد شده است.

این دفتر روز یکشنبه، دوازدهم اسد، اعلام کرد که این افراد در جریان دو روز گذشته از ولایت پروان و سایر ولایت ها آزاد شده است.

با رهایی این افراد، شمار زندانیان طالبان که از بند حکومت رها شده است، به چهار هزار و ۹۱۷ تن می رسد.

شورای امنیت ملی می گوید که روند رهایی زندانیان طالبان ادامه می یابد تا شمار زندانیان رها شده این گروه به پنج هزار و ۱۰۰ برسد.

زندانیانی که در روزهای عید رها شده خارج از فهرست طالبان اند و شامل ۵۰۰ زندانی می شوند که محمد اشرف غنی، رئیس جمهور در دهم اسد، روز نخست عید فرمان رهایی آن ها را صادر کرد.

محمد اشرف غنی در همین روز اعلام کرد که صلاحیت رهایی ۴۰۰ زندانی خطرناک طالبان را ندارد و باید لوی جرگه مشورتی در مورد آن تصمیم بگیرد.

حکومت پیش تر گفته بود که ۵۹۲ زندانی شامل در فهرست طالبان به دلیل انجام جرایم جنایی سنگین محکوم به مجازات شده و دولت صلاحیت رهایی آن ها را ندارند. طالبان بر رهایی این افراد اصرار دارند.

این فهرست اکنون به ۴۰۰ نفر تقلیل یافته و صلاحیت تصمیم گیری در مورد آن به لوی جرگه مشورتی واگذار شده است.

گروه طالبان روزی پیش از عید قربان اعلام کرده است که روند رهایی زندانیان دولت را تکمیل کرده است.

این گروه مدعی است که یک هزار و پنج زندانی دولت را در مدت سه ماه از بند رها کرده است.



حکومت هیأتی را برای بررسی حملات راکتی پاکستان به قندهار فرستاد



۸ صبح، کابل: هیأتی به ریاست معاون دفتر شورای امنیت ملی برای بررسی حملات راکتی پاکستان به قندهار رفته است.

دفتر شورای امنیت ملی روز یکشنبه، دوازدهم اسد، اعلام کرد که این هیأت متشکل از چندین اداره مرتبط به مسایل مرزی است و چگونه شی شروع حملات و خشونت ها از سوی نظامیان پاکستانی را در ولسوالی اسپین بولدک به صورت همه جانبه بررسی خواهد کرد.

درگیری بین نیروهای امنیتی و نظامیان پاکستان در منطقه مرزی ولسوالی اسپین بولدک قندهار روز پنجشنبه، نهم اسد، پس از حملات راکتی ارتش پاکستان آغاز شد.

مقام های محلی در قندهار گفته اند که ارتش پاکستان مناطق مسکونی را هدف حملات راکتی قرار داده است. در پی این حملات دست کم ۱۵ غیرنظامی کشته و ۸۰ تن دیگر زخمی شده اند.

به دنبال حملات راکتی ارتش پاکستان به اسپین بولدک وزارت دفاع ملی اعلام کرده که به نیروهای ارتش در حوزه جنوب

کابل: هیأتی به ریاست معاون دفتر شورای امنیت ملی برای بررسی حملات راکتی پاکستان به قندهار رفته است.

دفتر شورای امنیت ملی روز یکشنبه، دوازدهم اسد، اعلام کرد که این هیأت متشکل از چندین اداره مرتبط به مسایل مرزی است و چگونه شی شروع حملات و خشونت ها از سوی نظامیان پاکستانی را در ولسوالی اسپین بولدک به صورت همه جانبه بررسی خواهد کرد.

درگیری بین نیروهای امنیتی و نظامیان پاکستان در منطقه مرزی ولسوالی اسپین بولدک قندهار روز پنجشنبه، نهم اسد، پس از حملات راکتی ارتش پاکستان آغاز شد.

مقام های محلی در قندهار گفته اند که ارتش پاکستان مناطق مسکونی را هدف حملات راکتی قرار داده است. در پی این حملات دست کم ۱۵ غیرنظامی کشته و ۸۰ تن دیگر زخمی شده اند.

به دنبال حملات راکتی ارتش پاکستان به اسپین بولدک وزارت دفاع ملی اعلام کرده که به نیروهای ارتش در حوزه جنوب

دهها خانه در پی جاری شدن سیل در مرکز پروان تخریب شده است

۸ صبح، کابل: در پی جاری شدن سیل در شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، دهها خانه به صورت کامل تخریب شده است.

وحیده شهکار، سخنگوی والی پروان، روز یکشنبه، دوازدهم اسد، به روزنامه ۸ صبح گفت که شب گذشته بارش باران و زاله در مرکز پروان سبب جاری شدن سیلاب مدهوشی شده است.

سخنگوی والی پروان می گوید که در نتیجه این سیلاب ها حدود ۳۰۰ خانه و دکان به صورت قسمی تخریب شده است.

او هم چنان گفت که ۲۵ خانه مسکونی به صورت کلی تخریب شده است، اما سیلاب تلفات جانی در پی نداشته است.

وحیده شهکار افزود که بخش هایی از شاهراه کابل - شمال نیز در مربوطات پروان در پی سرازیر شدن سیل تخریب و به روی ترافیک بسته شده بود که دوباره بازگشایی شده است.

سخنگوی والی پروان می گوید که به آسیب دیده گان سیلاب کمک های ابتدایی صورت گرفته است و تلاش برای کمک رسانی بیش تر جریان دارد.

روز گذشته ولایت ننگرهار در شرق نیز شاهد بارنده گی شدید و جاری سیل ناشی از آن بود.

در پی جاری شدن سیل در ولسوالی کوزکنر این ولایت ۱۴ تن به شمول کودکان و زنان کشته شدند و شش تن زخم برداشتند.



سایه رقابت جهانی بر مذاکرات صلح



ساختار، یکی از اصطلاحات خیلی مهم و پر کاربرد در روابط بین الملل است. ساختار به نحوه چینش واحدهای سیاسی در نظام بین الملل اشاره دارد. از نظر کنت والتز نظام بین الملل، آنارشیک، یعنی بدون وجود اقتدار سلسله مراتبی، است. در این فضا همه واحدهای سیاسی یعنی...

۶



عدالت نباید قربانی توافقات سیاسی شود

در روزهای پسین فشارهای بیرونی بر حکومت افغانستان بر سر رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده طالبان افزایش یافته است. ایالات متحده آمریکا پیشنهاد داده است که این زندانیان رها شوند، اما پس از رهایی، در خانه‌هایشان تحت نظارت باشند. طبیعی است که طالبان در شهرها زنده‌گی نمی‌کنند. آن‌ها معمولاً به مناطقی می‌روند که از تسلط حکومت خارج است و حکومت هیچ نظارتی بر عمل کرد آن‌ها در مناطق تحت کنترل طالبان ندارد.

برخی از منابع می‌گویند که نیروهای امنیتی کشور این افراد را به جرم انجام برخی از فجیع‌ترین جنایات علیه بشریت بازداشت کرده‌اند. رییس جمهور غنی در پیام عیدایش گفته است که صلاحیت رهایی این افراد را حاضر است به لویه‌جرگه واگذار کند. واقعیت این است که در مسایل حقوقی و جزایی باید به قوانین مراجعه کرد. سوال این‌جا است که آیا لویه‌جرگه صلاحیت قانونی رهایی مرتکبان جرم‌های سنگین که به فرد و یا افراد مشخصی آسیب رسانده است را دارد؟

ماده ۲۰۱ قانون اجراءات جزایی افغانستان تأکید می‌کند که برائت متهم در دعوی جزایی، مانع مطالبه‌ی حق جبران خساره‌ی متضرر یا مدعی حق‌العبد، از وی نمی‌گردد. واقعیت این است که لویه‌جرگه صلاحیت حقوقی عفو جرم‌های حق‌العبدی را ندارد و نه هم چنین چیزی در قوانین افغانستان تذکر یافته است. جزای حق‌العبدی برای تأمین آسایش فردی و اجتماعی و اصلاح امور و جامعه انسانی است. مطابق قانون جزا در افغانستان «شخصی که از جرم متضرر گردیده، می‌تواند دعوی حق‌العبدی و جبران خساره را توأم با دعوی جزایی در دادگاه ابتدایی که به قضیه جزایی رسیده‌گی می‌کند، اقامه نماید.» یک کتله مردمی هرگز نمی‌تواند به نمایندگی از یک شخص متضرر، تصمیم بگیرد. به این ترتیب، هیچ فردی غیر از متضرر، حق بخشش و عفو متهمان حق‌العبدی را ندارد. حتا در قوانین افغانستان «هرگاه دعوی جزایی بعد از اقامه به سببی از اسباب ساقط گردد، دعوی حق‌العبدی که توأم با آن اقامه شده است، ساقط نمی‌گردد.»

از بُعد حقوقی، پس هیچ نهادی حق عفو جزایی که به دلیل خسارت جانی یا مالی برای شخص و یا اشخاص مشخص اتفاق افتاده است را ندارد. رهایی زندانیانی که مرتکب جرایم سنگین شده‌اند، ابعاد اجتماعی نیز دارد. رهایی مرتکبان جرایم سنگین و جنایت علیه بشریت منجر به جسارت بیش‌تر آن‌ها می‌شود. کسی که قتل، سربردن، آدم‌ربایی و در نهایت فجیع‌ترین اعمال ضد بشری را مرتکب شده باشد، اما با یک رای‌زنی سیاسی آزاد گردد، در آینده باربار به جرایمی از این نوع، دست خواهد زد. متهمی که حکم حبس ابد بر او صادر شده، اما پس از اندکی حبس طی یک توافق سیاسی آزاد شود، از رهایی دوباره خود در صورت دستگیری، حین ارتکاب جرم اطمینان دارد. رهایی این زندانیان از بُعد سیاسی نیز پی‌آمدهای سنگینی دارد. واقعیت این است که از میان ۴۶۰۰ زندانی رها شده طالبان، شمار زیادی از آنان دوباره به صفوف جنگ علیه حکومت افغانستان برگشته‌اند. احتمالاً حکومت افغانستان به این نکته به خوبی پی برده که عدم رهایی این زندانیان، اهرم فشار مناسبی بر طالبان است تا نیروهای تازه‌نفسی که از زندان‌های حکومت افغانستان آزاد شده‌اند را از میدان جنگ خارج سازند. درست است که هیچ قرارداد مکتوب و یا هم تضمین حقوقی میان حکومت افغانستان و رهبری طالبان مبنی بر عدم بازگشت دوباره آنان به میدان جنگ وجود ندارد، اما میان زندانیان و حکومت، حین آزادی‌شان تعهداتی شده است که زندانیان را اخلاقاً مکلف به رعایت این تعهدات می‌کند. گروه طالبان در ماه‌های اخیر تلاش می‌کند تا وجهه‌ی تخریش‌شده‌اش در سال‌ها و دهه‌های گذشته را در سطح بین‌الملل سروسامان بدهد. عدم پای‌بندی به تعهدات اخلاقی، این تلاش طالبان را به شدت زیر سوال می‌برد. حکومت افغانستان در چنین وضعیتی حق دارد تا رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده را به پای‌بندی طالبان به تعهدات‌شان مشروط سازد. در غیر آن حکومت افغانستان هم ۵۰۰۰ زندانی طالبان را آزاد ساخته و هم چیزی در قبال رهایی آنان به دست نیورده است.

جدای از همه ابعاد سیاسی - اجتماعی رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان، واقعیت این است که «عدالت» بزرگ‌ترین قربانی توافقات سیاسی است. طی ۵ دهه اخیر، افراد زیادی مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند. بسیاری از آنان هیچ‌گاه به پای میز محاکمه نرفته‌اند. مصلحت‌های سیاسی مانع تطبیق «عدالت انتقالی» شد. ناقضان حقوق بشر نیز با حمایت سرکرده‌های خود هرگز مجازات نشدند. مجرمان زیادی در افغانستان حتا بدون سپری کردن یک روز مجازات در مراکز حتا شهرهای کلان افغانستان زنده‌گی می‌کنند و هنوز هم مرتکب جنایت می‌شوند. مردم افغانستان اجازه عفو کسانی را که حقوق بشر را پایمال کرده و وحشت‌ناک‌ترین جنایات علیه بشریت انجام داده‌اند، نمی‌دهند.

سرور دانش: لوی جرگه به زودی با حضور نماینده‌گان شورای عالی مصالحه ملی برگزار می‌شود



۸صبح، کابل: محمدرسور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری می‌گوید که لویه‌جرگه مشورتی صلح به زودی با حضور نماینده‌گان مردم، اعضای شورای ملی، شورای عالی مصالحه ملی و دیگر نهادهای مرتبط در کابل برگزار می‌شود.

معاون دوم ریاست جمهوری این سخنان را روز یک‌شنبه، دوازدهم اسد، در گفت‌وگویی با کارن دیگر، معاون سفارت آمریکا در کابل مطرح کرده است.

طبق اعلام دفتر معاون دوم ریاست جمهوری در این گفت‌وگوی ویدیویی دو طرف درباره آمادگی‌های افغانستان برای برگزاری لوی جرگه مشورتی، تلاش‌ها برای آغاز گفت‌وگوهای صلح، برقراری آتش‌بس و نیز طرح قانون جدید مؤسسات غیردولتی بحث کرده‌اند.

معاون دوم ریاست جمهوری گفته است که تصمیم و خواست‌های نماینده‌گان مردم در لوی جرگه مشورتی صلح که سال گذشته برگزار شد، روی روند صلح تأثیر مثبت داشته است.

به گفته او، حکومت می‌خواهد اقدامات انجام شده را به نماینده‌گان مردم در لوی جرگه مشورتی صلح ارائه کند و برای گام‌های بعدی از آن‌ها مشورت بگیرند.

سرور دانش در گفت‌وگو با کارن دیگر افزوده است که در این لوی جرگه مشورتی، موضوع آزادی زندانیان طالبان، آتش‌بس، مذاکره با طالبان، خواسته‌ها و مطالبات مردم، مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد تا در روشنایی آن، اقدامات عملی در مسیر پروسه صلح به صورت جدی و مؤثر انجام شود.

معاون دوم ریاست جمهوری ابراز امیدواری کرده است که در نتیجه گفت‌وگوی مستقیم

مسوول عمومی استخبارات شاخه خراسان گروه داعش در ننگرهار کشته شد



این عضو بلندپایه گروه داعش در حالی کشته شده است که دولت چندین بار شکست داعش را در شرق کشور به ویژه ولایت ننگرهار اعلام کرده است.

۸صبح، کابل: ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد که ضیالرحمان مشهور به اسدالله اورکزی، مسوول عمومی استخبارات شاخه‌ی خراسان گروه داعش در عملیات نیروهای ویژه این ریاست کشته شده است.

براساس اطلاعات امنیت ملی، ضیالرحمان باشنده‌ی اصلی منطقه اخیل اورکزی اجنسی پاکستان بوده است.

دفتر والی ننگرهار نیز اعلام کرد که اسدالله اورکزی، مسوول عمومی استخبارات گروه داعش در عملیات نیروهای ویژه امنیت ملی در شهر جلال‌آباد، مرکز این ولایت کشته شده است.

طبق اعلام دفتر والی ننگرهار این عملیات ساعت ۶:۰۰ شام شنبه، یازدهم اسد، در مربوطات شهر جلال‌آباد اجرا شده است.

دفتر والی ننگرهار از اسدالله اورکزی به عنوان عضو مهم رهبری گروه داعش یاد کرده است که در اجرای چندین حمله تروریستی نقش داشته است.

پولیس ایران کاربری را که از تجمع هواداران طالبان در پارک ملت تهران خبر داده بود، بازداشت کرد

۸صبح، کابل: رییس پولیس تهران گفته است که عاملان «تولید و انتشار» تصاویری را که در آن پرچم یکی از «گروهک‌های تروریستی» به نمایش گذاشته شده بود، بازداشت کرده است.

سردار علی ذوالقدری، رییس پولیس تهران به خبرگزاری ایسنا، گفته است: «در پی انتشار تصاویری در فضای مجازی که در آن چند نفر اقدام به استفاده از پرچم یک گروهک تروریستی کرده بودند، رسیده‌گی به موضوع در دستور کار ویژه ماموران پولیس امنیت قرار گرفت و در پی آن عوامل این اقدام شناسایی شدند.»

او در ادامه افزوده است که با سرعت عمل پولیس عاملان اصلی تولید و بازنشر این تصاویر با هم‌آهنگی مقام قضایی شناسایی و بازداشت شدند.

رییس پولیس تهران می‌گوید که این افراد برای سیر مراحل قانونی و تحقیقات تکمیلی تحویل مرجع قضایی شده‌اند.

یکی از کسانی که تصاویر تجمع هواداران طالبان در پارک ملت تهران را نشر کرده بود، عارف احمدی از کاربران فیس‌بوک و مهاجر کشور در ایران است.

احمدی روز جمعه، دهم اسد، در فیس‌بوکش نوشت که آتش‌بس عبد رب طالبان مقیم تهران هم تأثیر مثبت گذاشته و آزادانه و با پرچم بی‌رنگ‌شان گشت‌وگذار می‌کنند و از صلح و آرامش لذت می‌برند.

او در ادامه نوشت: «کنارشان رفتم تا عکس بگیرم، اجازه نمی‌دادند ولی وقتی کمی پشتو حرف زدم و اختر مبارکی کردم آرام‌تر شدند و این چند فریم عکس را گرفتم.»

عارف احمدی در مورد بازداشت خودش توسط پولیس تهران چیزی نگفته است.

برخی از کاربران رسانه‌های اجتماعی در کشور اما می‌گویند که عارف احمدی از سوی پولیس تهران بازداشت شده است و باید رها شود.

با این حال، رییس پولیس تهران گفته است که نشر تصاویر تجمع هواداران طالبان در پارک ملت سبب سوء استفاده رسانه‌های معاند شده است.

به گفته او، کسانی که در این پارک تجمع کرده بودند با طالبان ارتباط نداشته‌اند.

کاهش آمار روزانه ابتلا به کرونا؛ در یک شبانه‌روز گذشته یک بیمار جدید شناسایی شد

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه روز یک‌شنبه، دوازدهم اسد اعلام کرد که در ۲۴ ساعت گذشته، ۱۹ نمونه‌ی مشکوک به ابتلا به ویروس کرونا در لابراتوارهای این وزارت بررسی شده است. طبق اعلام وزارت صحت عامه، از این میان ابتلای یک نفر به ویروس کرونا تثبیت شده است.

هم‌چنان آمار وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که در ۲۴ ساعت گذشته، یک بیمار کووید-۱۹ در کشور جان باخته است.

این آمار نشان‌دهنده کاهش در میزان نمونه‌گیری از سوی وزارت صحت عامه و ابتلا به ویروس کرونا در کشور است.

با ثبت این ارقام، شمار مجموعی مبتلایان به کرونا در کشور به ۳۶ هزار و ۷۱۰ تن افزایش یافته است. شمار قربانیان ویروس کرونا نیز به یک هزار و ۲۴۸ تن رسیده است.

در حال حاضر، نه هزار و ۹۱۸ بیمار فعال کووید-۱۹ در کشور وجود دارند.

وزارت صحت عامه از بهبودی هیچ بیماری کووید-۱۹ در ۲۴ ساعت گذشته گزارش نداده است.

تاکنون ۲۵ هزار و ۵۰۰ تن از بیماران کووید-۱۹ دوباره صحت‌یاب شده‌اند.

آخرین روز برای ثبت دارایی‌ها؛ نزدیک به ۲۰ هزار مقام دارایی‌هایشان را ثبت کرده‌اند



عبدالحمید حسینی

مهلت کابینه برای ثبت دارایی‌های مقام‌های بلندپایه دولتی که یکبار تمدید شده بود، امروز دوشنبه، سیزدهم اسد، پایان می‌یابد. معلومات اداره ثبت دارایی‌ها در اداره امور ریاست جمهوری نشان می‌دهد که تا کنون حدود ۱۸ هزار مقام بلندپایه دولتی دارایی‌هایشان را ثبت کرده‌اند. این رقم ممکن تا پایان روز سه‌شنبه که آخرین مهلت برای ثبت دارایی‌ها از سوی مقامات بلندپایه دولتی است، تغییر کند. در پایان این مهلت، مشخص خواهد شد که چه تعداد از مقامات از ثبت دارایی‌هایشان سر باز زده‌اند. دولت پیش‌تر هشدار داده بود، مقام‌هایی که دارایی‌هایشان را ثبت نکنند، معاش و امتیازاتشان قطع می‌شود.

کابینه در شانزدهم سرطان سال جاری به مقام‌های بلندپایه دولتی سه هفته مهلت داده بود تا دارایی‌هایشان را ثبت کنند. این مهلت هرچند تمام شده، اما شماری زیادی از مقام‌های بلندرتبه دولتی موفق نشده‌اند که دارایی‌هایشان را ثبت و نشر کنند. اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها برای این که یک فرصت دیگر به مقام‌های دولتی دهد، زمان ثبت دارایی‌ها را تمدید کرد. اداره‌ی امور ریاست جمهوری به مقام‌هایی که تا اکنون دارایی‌هایشان را ثبت نکرده‌اند، شش روز دیگر فرصت داد. بر این اساس، فرصتی که از سوی اداره امور ریاست جمهور داده شده بود، امروز رسماً پایان می‌یابد. مقام‌های دولتی مکلف‌اند که تا ختم امروز، دارایی‌هایشان را ثبت و نشر کنند. این اداره هشدار داده است، مقام‌هایی که دارایی‌هایشان را ثبت نکنند و نسبت به این امر بی‌تفاوت باشند، فهرست نام‌هایشان را همه‌گانی می‌کند و تا ثبت کردن دارایی‌شان، معاش و سایر

امتیازاتشان را قطع می‌کند. آخرین آمار که اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در اختیار ۸ صبح قرار داده، نشان می‌دهد که تا روز چهارشنبه، هشتم اسد، ۱۸ هزار مقام دولتی دارایی‌هایشان را ثبت کرده‌اند. این آمار ممکن است که تا پایان امروز تغییر کند و شمار بیش‌تری از مقام‌های دولتی دارایی‌هایشان را ثبت کنند. با این حال تا کنون مشخص نشده است که مقام‌های کدام ادارات دولتی، دارایی‌هایشان را ثبت کرده‌اند.

قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه با فساد اداری، تمامی مقام‌های بلندرتبه دولتی چون رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، اعضای شورای ملی، شورای ولایتی، شوراهای ولسوالی‌ها، وزیران، معاونان وزارتخانه‌ها، رییسان ادارات و کمیسیون‌های مستقل، سفیران، والی‌ها، شهردارها و معاونان آن‌ها، قضات، لوی‌سارنوالان، افسران وزارتخانه‌های دفاع

و امور داخله، ولسوالان، مأموران بست‌های یک و دو و کارمندان بخش امور مالی و تدارکاتی را قبل از اشغال وظیفه و بعد از ترک آن مکلف ساخته که تمام دارایی‌هایشان را ثبت کنند. اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها ابراز امیدواری کرده است که تا پایان مهلت ثبت و نشر دارایی‌ها، تمامی نهادها و مقام‌های دولتی دارایی‌هایشان را ثبت کنند.

با این حال اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها می‌گوید، با مقام‌هایی که در نشر و ثبت دارایی‌هایشان تعلل کنند و یا هم نسبت به این امر بی‌تفاوت باشند، برخورد قانونی صورت می‌گیرد. بر اساس قانون، مقام‌هایی که دارایی‌هایشان را ثبت و نشر نکنند، از معاش و سایر امتیازات محروم می‌شوند. این در حالی است که در سال گذشته معاش ۹۴۲ کارمند بلندرتبه دولتی به دلیل ثبت نکردن دارایی‌هایشان، قطع شده بود. محتمل است که در سال جاری نیز معاش و امتیازات



شماری از کارمندان بلندرتبه دولتی دیگر نیز به دلیل ثبت و نشر نکردن دارایی‌هایشان قطع شود.

از جانب دیگر اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها تصریح می‌کند که اگر در فورم دارایی‌ها معلومات غلط و نادرست درج شود، در مرحله اول معاش و امتیازات فردی که معلوماتش را نادرست درج کرده قطع می‌شود و در مرحله بعدی به نهاد‌های عدلی و قضایی معرفی می‌گردد.

از جانب دیگر، اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها گفته است که در سه سال اخیر ۵۴ هزار و ۵۰۰ فورم ثبت دارایی پخش شده است. فورم ثبت دارایی‌ها دارای ۱۱ صفحه است. در این صفحه‌ها مشخصات شخص، عنوان وظیفه، تاریخچه کاری، مشخصات اعضای خانواده، دارایی‌های قابل انتقال و غیرقابل انتقال، فعالیت‌های خارج از وظیفه رسمی، عاید، قرضه و مصارف ثبت می‌شود.

روند ثبت دارایی‌ها از سال ۱۳۸۸ به این سو، به منظور مبارزه با فساد در افغانستان تطبیق می‌شود. اداره عالی مبارزه با فساد اداری که پیش‌تر به نام اداره عالی نظارت نیز شناخته می‌شد، برای بیش‌تر از هشت سال مرجع مسوول برای تطبیق این روند نوپا در کشور بود. حالا که تقریباً ۱۰ سال از آن می‌گذرد، دولت راهی طولانی برای تطبیق این روند پیموده و همین اکنون اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در چوکات اداره امور ریاست جمهوری این مسوولیت را به پیش می‌برد.

آتش بس عیدانه؛

طرف‌های درگیر سه روز را در آرامش سپری کردند

حکومت می‌خواهد برخی از اقدامات انجام شده را به نمایندگان مردم در لویه‌جرگه‌ی مشورتی صلح ارایه کرده و برای گام‌های بعدی از آن‌ها مشورت بگیرد. وی گفت که در این لویه‌جرگه‌ی مشورتی در مورد آزادی زندانیان، آتش‌بس، مذاکره با طالبان و خواسته‌های مردم بحث و تبادل نظر خواهد شد.

به گفته‌ی معاون دوم ریاست جمهوری، تصامیم و خواسته‌های مردم در لویه‌جرگه‌ی مشورتی صلح که سال گذشته برگزار شد، بر روند صلح تأثیر مثبت گذاشته است. وی ابراز امیدواری کرد که گفت‌وگوهای مستقیم حکومت و نمایندگان مردم در لویه‌جرگه بتواند یک صدای واحد را برای تقویت روند صلح و مذاکرات بین‌افغانی فراهم کند. سرور دانش گفته است که برگزاری لویه‌جرگه‌ی مشورتی زمینه‌ی مناسب برای اقلیت‌های اجتماعی، از جمله زنان و فعالان مدنی و حقوق بشری است تا خواسته‌هایشان را در روند صلح به گونه‌ی مستقیم بیان کنند. گفتنی است که سفارت امریکا در کابل از تصمیم حکومت برای برگزاری لویه‌جرگه مشورتی و تقویت زمینه‌های گفت‌وگوهای صلح استقبال کرده است.

این در حالی است که خبرگزاری رویترز به نقل از برخی مقام‌های امریکایی گفته است که آن کشور راه‌کار تازه‌ای برای رفع بن‌بست موجود ارایه کرده است. این مقامات تصریح کرده‌اند که بر اساس پیشنهاد مقامات امریکا، ۴۰۰ زندانی طالب باید در یک محل نظربند شوند و زیر نظارت حکومت و طالبان قرار داشته باشند. رویترز تصریح کرده که این گزینه از سوی زلمی خلیل‌زاد به مقامات افغان ارایه شده است. با این حال اما برخی از منابع خارجی گفته‌اند که امریکا و برخی از متحدانش هنوز نگران رهایی برخی از زندانیان طالب‌اند. گفتنی است که زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان روز چهارشنبه، هشتم اسد وارد کابل شده و با رهبران حکومت دیدار کرد. بر اساس اعلامیه‌ی ارگ ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه امریکا، زلمی خلیل‌زاد و سران حکومت روی تمدید آتش‌بس یا کاهش خشونت، شروع مذاکرات مستقیم میان دولت و طالبان و تبادل زندانیان با هم گفت‌وگو کرده‌اند.

پیش از این اختلاف‌هایی میان حکومت و طالبان روی رهایی ۵۹۲ زندانی طالب مطرح شده بود. به گفته مقامات در حکومت، این زندانیان موارد جنایی و حق‌العبدی در پرونده‌هایشان دارند و شماری از آن‌ها را نیز اتباع خارجی تشکیل می‌دهد. با این حال اما حکومت ۱۹۲ زندانی این گروه را آزاد کرده و هنوز رهایی ۴۰۰ زندانی دیگر را به حالت تعلیق درآورده است. گروه طالبان اما می‌گویند که این زندانیان پرونده‌های سیاسی دارند و باید پیش از آغاز مذاکرات بین‌افغانی از زندان آزاد شوند. باید تصریح کرد که مذاکرات میان دو طرف به روند رهایی زندانیان وابسته است و به همین دلیل، زمان دقیق آغاز این مذاکرات هنوز مشخص نشده است.

جمعه‌ی روز جمعه، دهم اسد در جریان صحبت‌های عیدی‌اش از رهایی ۵۰۰ زندانی طالب در جریان روزهای عید خبر داد. با این حال، وی تصریح کرد که این زندانیان برای استقبال از برقراری آتش‌بس طالبان آزاد می‌شوند و شامل فهرست پنج هزار نفری گروه طالبان نیستند. آقای غنی در ادامه افزود که در نظر دارد برای مشورت پیرامون رهایی ۴۰۰ زندانی طالب، به تاریخ ۱۷ اسد، لویه‌جرگه مشورتی برگزار کند و از شهروندان نظر بخواهد. این زندانیان افرادی را شامل است که به گفته شورای امنیت ملی، جرایم جنایی را مرتکب شده‌اند. رییس جمهوری به روسای مجلس نماینده‌گان و سنا هدایت داد تا از رخصتی تابستانی‌شان برگشته و برای لویه‌جرگه‌ی مشورتی ۱۷ اسد، آماده‌گی بگیرند.

به گفته‌ی آقای غنی، قانون اساسی و قانون جزا به وی اجازه نمی‌دهد که در این مورد تصمیم بگیرد و برای این‌که زندانیان موارد حق‌العبدی را مرتکب شده‌اند، نیاز است که پس از مشورت مردم در مورد آن تصمیم گرفته شود. آقای غنی این سخنانش را روز شنبه، یازدهم اسد در جریان صحبت‌هایی در سمنگان نیز تکرار کرد و افزود که تصمیم نهایی در مورد صلح را مردم می‌گیرد. وی افزود که اگر مشکلی در روند صلح پیش نمی‌آید، لویه‌جرگه‌ی مشورتی در آخر برگزار می‌شد. هر چند آقای غنی در مورد مشکل پیش آمده صراحت نداد، اما به نظر می‌رسد که هدف وی جنجالی شدن روند رهایی زندانیان بوده است. به گفته رییس جمهور، در برگزاری مکرر لویه‌جرگه مشکلی وجود ندارد و لویه‌جرگه مشورتی سال گذشته نیز به برنامه‌های دولت سمت‌وسو داده است. گفتنی است که لویه‌جرگه نهم ۱۳۹۸ نیز به هدف مشورت برای صلح برگزار شده بود.

هم‌زمان با این، معاونیت دوم ریاست جمهوری برخی از جزئیات در مورد لویه‌جرگه مشورتی را همه‌گانی کرده است. سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری روز یک‌شنبه، دوازدهم سرطان در گفت‌وگو با کارن دیکر، معاون سفارت امریکا در کابل، گفت که این لویه‌جرگه با حضور نمایندگان مردم، اعضای شورای ملی، شورای عالی مصالحه ملی و سایر نهاد‌های مرتبط در کابل برگزار خواهد شد. آقای دانش که در گفت‌وگو ویدیویی با معاون سفارت امریکا در کابل صحبت می‌کرد، افزود که

جان باخت. هرچند مسوولان محلی تصریح کردند که مابین‌ها از سوی گروه طالبان جاگذاری شده، اما این گروه مسوولیت حملات را برعهده نگرفته و در مورد آن نیز ابراز نظر نکرد. افزون بر این، عصمت‌الله سلام، فعال جامعه مدنی روز شنبه، یازدهم اسد در غزنی کشته شد. مقامات محلی در این ولایت گفته‌اند که این فعال جامعه مدنی زمانی که می‌خواست یک‌جا با خانواده‌اش برای دیدن دوستانش به قریه سفر کند، از سوی افراد مسلح تیرباران شده است. مسوولان در غزنی تصریح کرده‌اند که این فرد شغل دولتی نداشته و از فعالان مدنی در غزنی به شمار می‌رفت. هر چند مقامات محلی به رسانه‌ها گفته‌اند که این فعال جامعه مدنی از سوی طالبان کشته شده، اما این گروه در این مورد نیز موقف‌گیری نکرده است.

این رویدادها در حالی اتفاق می‌افتد که گروه طالبان روز پنج‌شنبه، نهم اسد آتش‌بس سه روز را در جریان عید قربان اعلام کردند. این گروه به نظامیانش تصریح کرد که در این سه روز از تحرک بالا خودداری کرده، اما به حملات نیروهای امنیتی «پاسخ شدید» بدهند. هم‌زمان با آن، حکومت با استقبال از این طرح به نیروهای امنیتی دستور داد که در حالت دفاعی قرار بگیرند و تنها هنگام تحرک گروه طالبان، واکنش نشان دهند. رییس جمهور غنی در پیام عیدی‌اش خواستار ادامه آتش‌بس در کشور شد و از طالبان خواست که با هیأت مذاکره‌کننده حکومت وارد گفت‌وگوهای مستقیم شوند. هر چند منابعی پیش‌تر به رسانه‌ها گفته بودند که احتمال تمدید آتش‌بس میان دو طرف وجود دارد، اما طالبان تا پایان روز گذشته در این مورد ابراز نظر نکردند. پیش‌تر دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان «یوناما» تصریح کرده است که خشونت‌ها در جریان آتش‌بس روزهای عید کاهش چشم‌گیری می‌یابد. گفتنی است که هیچ موردی از درگیری‌های میان دو طرف در جریان سه روز عید رسانه‌ای نشد که نمایان‌گر آرامش در جبهات جنگ بوده است.

بن‌بست ۴۰۰ زندانی؛ حکومت لویه‌جرگه مشورتی برگزار می‌کند

هم‌زمان با برقراری آتش‌بس، محمدشرف غنی، رییس

برقراری آتش‌بس میان حکومت و گروه طالبان در روزهای عید کاهش خشونت‌ها را در پی داشته و دو طرف روزهای آرام را سپری کردند. با آن‌که یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر در گزارش شش ماهه‌شان میان‌گین تلفات غیرنظامیان را به ترتیب ۲۰ و ۱۶ تن خوانده بود، اما این میان‌گین در روزهای عید به هفت تن کاهش یافت. بیش‌تر تلفات غیرنظامیان در روز عید نیز برخاسته از انفجار مابین‌های کنار جاده بوده که در آن شش تن کشته و ۱۴ تن دیگر زخم برداشتند. هر چند رییس جمهور غنی در پیام عیدی‌اش خواستار دوام آتش‌بس شد، اما طالبان تا پایان روز گذشته در این مورد موقف‌گیری نکردند. پیش از این، یوناما گفته است که آتش‌بس در روزهای عید کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها را در پی داشته و نشان می‌دهد که اگر دو طرف «واقعاً بخواهند و اراده سیاسی داشته باشند»، خشونت‌ها کاهش می‌یابد.

با وجود آرامش در بیش‌تر ولایت‌های کشور و سکون دو طرف در نشر ارقام تلفات، اولین روز عید در هرات اما با انفجار آغاز شد. بر اساس معلومات مقام‌های محلی، انفجار یک حلقه مابین در مربوطات شهر هرات ۱۴ زخمی برجا گذاشت. به گفته رفیق شیرزی، سخنگوی ریاست صحت عامه هرات، زخمیان برای مداوا به شفاخانه حوزهای هرات انتقال یافته‌اند و وضعیت سه زخمی وخیم خوانده شده است. گفتنی است که این حمله به هیچ گروهی ارتباط داده نشده و طالبان نیز در مورد آن ابراز نظر نکرده‌اند. هم‌زمان با این، باشنده‌گان ارزگان نیز در روزهای عید شاهد دو انفجار مابین در این ولایت بودند. مقامات در این ولایت گفته‌اند که یک انفجار روز جمعه، دهم اسد رخ داد و در نتیجه آن، چهار باشنده ولسوالی دهرآورد این ولایت جان باختند. این غیرنظامیان هنگامی که می‌خواستند با استفاده از موتورسایکل برای تجلیل عید از روستا به مرکز این ولسوالی سفر کنند، با مابین کنار جاده برخوردند. انفجار دوم نیز روز شنبه، یازدهم اسد در مربوطات شهر ترینکوت رخ داد که در نتیجه آن، یک غیرنظامی



حبیب‌الله

آتش‌بس موقت یا نوید ختم جنگ

بعد از امضای توافق‌نامه میان طالبان و امریکا، تقاضاهای زیادی به منظور ادامه آتش‌بس از سوی دولت افغانستان و جامعه جهانی شد، ولی از سوی طالبان پذیرفته نشد. البته مردم ما نیز متواتر از طرفین خواهان آتش‌بس بوده‌اند. به هر صورت طالبان در روز اخیر ماه رمضان آتش‌بس یک‌جانبه را اعلام کردند و حال در جریان عید قربان دومین آتش‌بس سال روان برقرار شده است. در مقابل دولت نیز نیروهایش را از حالت تهاجمی به حالت دفاعی سوق داده و آتش‌بس را دوجانبه ساخته است.



دکتر محمدنجیب عزیزی

در دهه اخیر افغانستان شاهد تلاش‌های بیش‌تر به منظور حل تنش‌های مسلحانه از راه مسالمت‌آمیز بوده است. با آن‌که خصوصیت پروسه صلح شکننده بودن آن است، اما در عین حال این پروسه زیربنای مهمی برای کنار گذاشتن جنگ و رسیدن به آشتی است. افغانستان یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های پسا جنگ جهانی دوم را شاهد است. دولت افغانستان و قوای ائتلاف تقریباً دو دهه است که در حال جنگ با طالبان‌اند. طرف‌های مقابل در این اواخر کوشیده‌اند تا از راه صلح به خواسته‌های خود دست یابند و امروز این امیدواری بیش‌تر شده است.

آتش‌بس اغلب گام نخست در جهت پایان دادن به خصومت‌ها و ایجاد سهولت برای گفت‌وگوها است و آتش‌بس موقت فرصتی خواهد بود تا آغاز گفت‌وگو و برداشتن گام‌های مثبت برای رسیدن به یک صلح پایدار را هموار کند. موفقیت این پروسه بسته‌گی به رابطه دو طرف دارد. هر قدر این رابطه براساس تفاهم و درک متقابل به وجود آمده باشد، به همان اندازه پایدار است. در جون ۲۰۱۸، یک آتش‌بس سه‌روزه در روزهای عید برقرار شد و امسال بار اول در عید رمضان و امروز بار دیگر آتش‌بس کوتاه‌مدت اما بسیار امیدوارکننده در عید قربان برقرار شده که نشان می‌دهد هم دولت افغانستان و هم طالبان به توافق خود پایبند هستند و حتا امکان تمدید آن وجود دارد.

اکنون که در کنار افزایش خصومت‌ها، علاقه‌مندی شدید به صلح بنا بر فشارهای وارد شده داخلی و خارجی بر دو طرف به اوج خود رسیده است، افغانستان در یک دوراهی قرار دارد. یک طرف ادامه خشونت‌های بی‌پایان چهل سال گذشته و طرف دیگر رفتن به طرف صلح پایدار است. منابع، گزینه‌ها و علایم نشان‌گر آن است که هر یک از این دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد. تجربه آتش‌بس موقت برای بار دوم از جانب دولت افغانستان و طالبان، از گام‌های ابتدایی به سوی یک صلح پایدار است.

از آتش‌بس تا ختم جنگ

بعد از امضای توافق‌نامه میان طالبان و امریکا، تقاضاهای زیادی به منظور ادامه آتش‌بس از سوی دولت افغانستان و جامعه جهانی شد، ولی از سوی طالبان پذیرفته نشد. البته مردم ما نیز متواتر از طرفین خواهان آتش‌بس بوده‌اند. به هر صورت طالبان در روز اخیر ماه رمضان آتش‌بس یک‌جانبه را اعلام کردند و حال در جریان عید قربان دومین آتش‌بس سال روان برقرار شده است. در مقابل دولت نیز نیروهایش را از حالت تهاجمی به حالت دفاعی سوق داده و آتش‌بس را دوجانبه ساخته است. قابل ذکر است که در طول جنگ‌های افغانستان آتش‌بس بی‌سابقه است و این بار آتش‌بس برای عید قربان می‌تواند باعث کاهش بیش‌تر خشونت و اعتمادسازی مزید شود. از سوی دیگر دلیلی خواهد بود تا مردم یک بار دیگر جشن و شادی کنند. اما گام بعدی چیست و چگونه می‌توان به طرف صلح رفت؟ آیا می‌توان این آتش‌بس دوجانبه را نویدی برای

ختم جنگ دانست؟ چند هفته بعد جوابات خویش را خواهیم گرفت.

البته این آتش‌بس موقت می‌تواند فرصتی باشد تا از طریق گفت‌وگوها و شنودهای بیش‌تر و دیپلماسی به طرف صلح و نتایج مثبت حرکت کرد. دولت افغانستان، طالبان و سیاست‌مداران در عموم باید روی منافع ملی گرد هم آیند و طبق تعهدات گفت‌وگوهای بین‌الافغانی آغاز شود؛ چون این می‌تواند دو طرف را به صلح دایمی برساند؛ صلحی که باعث ختم جنگ شود و مورد قبول مردم افغانستان باشد.

در کنار افزایش خشونت‌ها در چند ماه اخیر، تمایل به صلح نیز میان طرفین بیش‌تر شده است. بر اساس سروی‌ها و مطالعات صورت گرفته، اکثریت قاطع مردم به این باور اند که گفت‌وگوهای بدون پیش‌شرط بین‌الافغانی، تنها راه کاهش خشونت‌ها و کم شدن درد مردم افغانستان است. در مورد این‌که چطور آتش‌بس موقت در عید قربان برقرار شده است، گمانه‌زنی‌های زیادی وجود دارد.

براساس برخی از منابع فکر آتش‌بس از دیر زمانی در رده‌های میانی طالبان وجود داشته و بسیاری از طالبان به این باور اند که خواسته‌های خود را از راه مسالمت‌آمیز می‌توانند به دست آورند. البته آشکار است که طالبان هر بار با برقراری آتش‌بس، خطر را پذیرفته‌اند. براساس برداشت نادرستی که بین برخی از افراد طالبان وجود دارد، چنان تحلیل می‌کنند که گویا فشارهای دولت پاکستان یا امریکا آن‌ها را وادار به آتش‌بس ساخته است. بعضی از منابع این آتش‌بس را از اثر فشار نه، بلکه یک چرخش از سوی طالبان می‌دانند. اعلام دومین آتش‌بس سال جاری هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی تقدیر شده و خصوصاً مردم عادی از آن استقبال کرده‌اند. البته باید دانست که آتش‌بس موقت دولت را در یک دوراهی گیج‌کننده قرار داده است.

از سوی دیگر بعضی از جناح‌ها نقش خود را در این آتش‌بس، کلیدی می‌دانند. مقامات پاکستانی ادعا می‌کنند که آن‌ها طالبان را به صلح و برقراری آتش‌بس متمایل ساخته‌اند. دیپلمات‌های امریکایی نیز ادعا می‌دارند که آن‌ها پاکستان را به چنین بازی‌ای تشویق کرده‌اند. در عین حال گزارش‌هایی حاکی است که بعضی از رهبران سیاسی و نظامی طالبان نیز این انگیزه را در میان گروه خود ترویج داده و نقش فعال در آوردن آتش‌بس داشته‌اند. کارشناسانی که با این حرکت آشنایی دارند، تأیید می‌کنند که این تصمیم طالبان هیچ ارتباطی به فشارهای پاکستان نداشته و استراتژی خود طالبان است. آن‌ها می‌گویند طالبان آتش‌بس کرده‌اند تا نشان دهند که این تحریک تنها یک «ماشین جنگی» نیست.

برعکس آتش‌بس جون ۲۰۱۸، طالبان برآنند که تصمیم آتش‌بس دوم و سوم با مشورهی قوماندانان، بزرگان و رهبران این گروه گرفته شده است. بسیاری از اعضای ارشد این گروه و قوماندانانی که در سطح کشور می‌جنگند، همه با این آتش‌بس موافقت داشته‌اند. حتا برخی از منابع حاکی از مشوره و رای‌زنی با بعضی

قوماندان شبکه حقانی در مورد این آتش‌بس هستند. بعد از توافقی که میان طالبان و امریکا صورت گرفت، دولت افغانستان مکلف به آزادسازی پنج هزار زندانی طالبان من‌حیث پیش‌شرط آغاز گفت‌وگو بین‌الافغانی شد، اما دولت نسبت به مشکلات سیاسی درونی خویش و تکنیک امتیازگیری با تعطل این خواسته را قبول کرده است. در یک مرحله بعد از این‌که دوره «کاهش خشونت» پایان یافت و متعاقباً وقتی ما شاهد حملات مرگ‌بار در پایتخت و ولایات افغانستان بودیم - مثلاً حمله بر شفاخانه نسایی - ولادی دشت برچی بود که منجر به قتل اطفال و مادران شد - طالبان با انتقادات و خشم گسترده حکومت مواجه شده‌اند. حتا دولت افغانستان نیروهای دفاعی و امنیتی خویش را از موضع دفاعی به آرایش تهاجمی تغییر داد. قابل تذکر است که طالبان با عدم پذیرش مسوولیت حمله بر شفاخانه، موقف خویش را واضح کردند. در روز اول عید قربان رییس جمهور اعلام کرد که تصمیم رهایی ۴۰۰ زندانی طالبان که در لیست ۵۰۰۰ نفری شامل‌اند را بعد از برگزاری لویه‌جرگه مشورتی نهایی خواهد کرد. به یقین که این استراتژی اگر از یک طرف زمان می‌خرد، از طرف دیگر امکان دارد فرصت‌های موجود را به چالش بکشد.

از این‌که ۹۵ درصد جنگ بسته‌گی به درگیری طالبان و نیروهای دولتی دارد، آتش‌بس سه‌روزه فواید زیر را در پی دارد:

- در جریان آتش‌بس، گروه‌های دیگر مثل داعش دست به حمله خواهند زد و دولت فرصت خوب سرکوب آن‌ها را خواهد داشت.

- فرصت خوشی، صلح، برپایی جشن و دید و بازدید از مناطق دورافتاده برای مردم فراهم می‌شود.

- جنگ‌جویان فرصت بودن در کنار خانواده‌ها و اطفال خود را پیدا می‌کنند و انتظار می‌رود که این فرصت به ایجاد روان صلح‌جویانه کمک کند.

- خانه‌های مردم افغانستان به خصوص مردمی که در ساحات جنگی‌اند، یک بار دیگر مملو از خوشی خواهند شد.

چرا طالبان در حال حاضر به آتش‌بس درازمدت توافق نمی‌کنند؟

همین که به پایان آتش‌بس نزدیک می‌شویم، فشارها روی رهبری طالبان بیش‌تر خواهد شد تا این آتش‌بس را تمدید کنند. در این حالت دولت باید به گونه یک‌جانبه آتش‌بس را تمدید و متعاقباً تسهیلات طبی و بهداشتی را برای زخمیان طالبان و زمینه بازدید خانواده‌هایشان از زندانیان طالبان را من‌حیث حسن نیت فراهم کند.

- جامعه‌ی مدنی باید برنامه‌های گوناگون به شمول تظاهرات را به راه بیندازد و شهروندان را قادر سازد تا صدای خود را بلند کرده و تقاضای آتش‌بس درازمدت کنند.

- صدای مردم عادی باید توسط جامعه جهانی حمایت شود و خواست آن‌ها مبنی بر برقراری صلح درازمدت و قطع دایمی خشونت‌ها را بازتاب دهد.

- جامعه‌ی مدنی درگفت‌وگو با رهبری طالبان در قطر آن‌ها را به صلح ترغیب کند.

طالبان بنا بر دلایل ذیل تن به آتش‌بس طولانی‌مدت نمی‌دهند:

دلیل اول این است که طالبان احساس می‌کنند با ادامه آتش‌بس، به اهداف اصلی خود که همانا خارج شدن تمام نیروهای خارجی و ایجاد حکومت براساس احکام شرع مبین است، نمی‌رسند. این موضوع در میدان‌های جنگ حتا در جریان آتش‌بس ۲۰۱۸ نیز انعکاس یافته است. چنان‌چه یکی از قوماندان‌های طالبان گفت: «ما این‌همه سال برای هیچ جنگیدیم، ما نمی‌توانیم به خواست چند نفر دست از جهاد برداریم». او با تمدید یک‌جانبه‌ی آتش‌بس موافقت نکرد، مگر این‌که دولت امریکا نیز گام‌های مشابه بردارد.

دلیل دوم این است که طالبان نمی‌خواهند در نظر افرادشان مانند تسلیم‌شده‌ها به نظر برسند.

سوم این‌که طالبان با ادعای جنگ که دارند، نمی‌خواهند آتش‌بس‌شان دست‌آورد نظامی و سیاسی حکومت و نیروهای امریکایی تلقی شود. حتا آن‌ها نمی‌خواهند آتش‌بس‌شان نتیجه فشار پاکستان یا قطر دانسته شود. آن‌ها بارها تکرار کرده‌اند که از اسلام‌آباد

و دوحه کنترل نمی‌شوند. آتش‌بس طویل‌المدت برای حفظ یک‌پارچه‌گی طالبان آسیب‌زا است. نیروهای جنگی طالبان که جنگ را تجربه کرده‌اند، طرف‌دار صلح و آتش‌بس هستند، اما جناح سیاسی روی منافع مختلف تمرکز می‌کنند. لذا آتش‌بس درازمدت می‌تواند آن‌ها را متوقف سازد و رهبران طالبان رفتن به طرف جنگ را کم‌تر محتمل می‌دانند.

دلیل اخیر این‌که آن‌ها عده از رهبران طالبان که در خارج به سر می‌برند و تجربه دست اول از جنگ را ندارند، از پروسه فعلی صلح زیاد رضایت ندارند.

آتش‌بس موقت سازنده‌ی صلح دایمی است و دلایل زیاد وجود دارد که می‌توان طالبان را قانع به تداوم آتش‌بس کرد؛ چون نتیجه‌ی ملموس این آتش‌بس نشان می‌دهد که دو طرف روی نیروی جنگی خود تسلط کامل دارند. حالا سوال این است که دو طرف چگونه با هم توافق کنند؟

حمایت مردمی از آتش‌بس باعث ایجاد اعتماد شده است. این اعتماد تا حدی بود که قبلاً دیدیم طالبان با تفنگ‌های خود داخل شهرها شدند. از این‌که یک حجم بزرگ از زندانیان طالبان رها شده‌اند، امکان دارد که آتش‌بس سه‌روزه عید تمدید شود و در مذاکرات بین‌الافغانی طالبان با دولت به میز مذاکره بنشینند. در نتیجه آتش‌بس در مواردی هردو طرف جنگ با تفنگ‌های خود به شادی و خوشی پرداخته‌اند. این امر نشان می‌دهد که بین دو طرف به نوعی زمینه تفاهم و هم‌دیگرپذیری وجود دارد که فراتر از دستورهای رهبران آن‌ها است. از سوی دیگر خرسندی عوام حتا می‌تواند گروه‌های دخیل در جنگ را از حملات بر قریه‌ها، شهرها و مردم عام باز دارد. بدین دلیل می‌توان گفت که آتش‌بس روزهای عید قربان می‌تواند نوید ختم جنگ در افغانستان باشد.

داعش به دنبال جذب طالبان ناراضی از مذاکرات صلح با ایالات متحده

منبع: خبرگزاری Star and strips

نویسنده: جیبی لاورنس

برگردان: سیدجمال انگر

افغانستان - کابل: گروه دولت اسلامی در افغانستان طی سال‌های گذشته خسارات و تلفات سنگینی را متحمل شد، اما هنوز هم این گروه می‌تواند صلح و ثبات در کشور را راهاندازی حملات بالای شهرها و جذب طالبان ناراضی از مذاکرات، از بین ببرد.

یکی از فرماندهان گروه معروف به داعش - شاخه ولایت خراسان، گفت: «پس از تلفات اخیر در میدان‌های جنگ بخش اعظم این گروه در مناطق دوردست ولایت کنر، جایی که درختان انبوه جنگلات آن‌ها را از دید حملات هوایی محافظت می‌کند، پناه برده‌اند.»

این فرمانده به اسم مستعار عبدالله می‌گوید برخی از هسته‌های این گروه در شهرهای کابل و جلال‌آباد، جایی که قصد دارند «افراد جهادی پیشین (طالبان)» را جذب کرده و حملات را راهاندازی کنند، مخفی شده‌اند.

عبدالله که فرماندهی یک گروه را برعهده دارد، گفت: «ما عملیات خود را تغییر داده‌ایم، زیرا دشوار است برای ما که در جاهایی باشیم که ایالات متحده و طالبان ما را هدف قرار دهند. اکنون ما تلاش داریم تا حملات چریکی را در شهرها انجام دهیم.»

هفته‌ی گذشته سازمان ملل هشدار داد که گروه داعش توانایی انجام حملات مرگبار در شهرها را دارد و پلان دارد با جذب افراد تندرو و طالبان ناراضی از توافق صلح فروری این گروه با آمریکا، صفوف خود را نیرومند سازد. با وجود سرکوب این گروه در ولایات ننگرهار و کنر، نیروهای ایالات متحده به روز دوشنبه طی اعلامیه‌ای گفتند: «گروه داعش شاخه خراسان به عنوان زیرمجموعه سازمان‌های تروریستی در عراق و سوریه هم‌چنان تهدیدی برای افغانستان، ایالات متحده، متحدان ناتو و



شرکای ما محسوب می‌شود». اعلامیه می‌افزاید که ارتش آمریکا از ۲۹ فروری، زمانی که توافق‌نامه صلح با طالبان امضا کرده است، تا کنون بیش از ۱۸ حمله علیه داعش شاخه خراسان انجام داده است.

بر اساس توافق‌نامه فروری، طالبان تعهد کرده‌اند که روابط خود با القاعده را قطع کرده و از فعالیت گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان جلوگیری کنند و در ازای مبادله زندانیان و خروج تدریجی سربازان آمریکایی تا اواسط سال ۲۰۲۱، مذاکرات صلح با کابل را آغاز کنند. در حالی که ایالات متحده هزاران سرباز خود را از افغانستان بیرون کرده است، مذاکرات صلح برای ماه‌ها به تعویق افتاده است.

سهیل شاهین، سخنگوی سیاسی طالبان، هفته‌ی گذشته در توییت خود نوشت: شورشیان طالب آماده‌اند تا به زودی مذاکرات را آغاز کنند.

انتظار می‌رود در این گفت‌وگوها، روی شرایط آتش‌بس دائمی و پایدار و هم‌چنین تقسیم قدرت و آشتی بین شورشیان و دولت بحث صورت گیرد. احتمال دارد جریان مذاکرات، به داعش شاخه خراسان فرصت سربازگیری بدهد.

کامران بخاری، کارشناس امنیت ملی و سیاسی مرکز سیاست جهانی مستقر در واشنگتن گفت: «طالبان می‌روند تا مصالحه کنند، سبزه‌جویان فرامی‌آورند

دارد، به خود جلب کرده است.

یافته‌های مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان نشان می‌دهد که این گروه به شدت در حال جذب «افراد معتقد دینی و مومن» در دانشگاه‌های کابل هستند.

اما تحلیل‌گران می‌گویند که با از بین رفتن مسیرهای قاچاقی که زمانی در ولایت ننگرهار تحت کنترل داعش قرار داشت، این گروه از نظر مالی به هم ریخت. یک مقام ارشد داعش اخیراً از جنگ‌جویان این گروه خواست تا از صبر کار گرفته و اتحاد خود را حفظ کنند که این موضوع نشان‌دهنده تنش‌های داخلی این گروه است.

سلیمان پکتیوال، پژوهش‌گر گروه‌های افراطی در افغانستان، عراق و لیبیا گفت: «گروه داعش از آن‌جایی که توانایی تصرف و حفظ قلمرو را ندارد، دست به حملات خون‌بار علیه غیرنظامیان می‌زند». پکتیوال گفت: «آن‌ها این حملات را به خاطر جلب توجه انجام می‌دهند.»

سازمان ملل در گزارش ماه می خود گفت که داعش امسال تا کنون ۴ حمله بزرگ در مقایسه به کل سال گذشته در کابل انجام داده است.

امیر جادون، استادیار اکادمی نظامی ایالات متحده وستپاینت در ارزیابی ماه جون نوشت: گروه داعش در وضعیت ضعیف فعلی خود ممکن است با نامیدی بیش‌تر «حملات تکان‌دهنده‌تری را برای جلب تبلیغات و ایجاد بی‌ثباتی لازم برای ادامه فعالیت» انجام دهد.

جادون روز چهارشنبه در تماس تلفنی گفت: «هدف از حملات تباه‌کن این گروه جلب توجه استخدام‌شونده‌گان احتمالی است که گویا این گروه هنوز هم خطرناک است و هم‌چنان دولت افغانستان گمان کند که داعش شاخه خراسان در همکاری با جناح‌های طالبان کار می‌کند». جادون گفت: «چنین حملاتی، که مشخص نیست چه کسی انجام داده است، به عمد در برخی موارد می‌تواند باعث بی‌اعتمادی بیش‌تر شده و مذاکرات بین‌الافغانی را مختل کند.»

نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی



قربان‌علی صفری

باشد، امکان دستیابی به دموکراسی و توسعه سیاسی در آن بیش‌تر است. اکنون به شاخص‌های فرهنگ سیاسی سنتی که روند توسعه سیاسی را با مشکل روبه‌رو می‌کند، پرداخته می‌شود:

فرهنگ سیاسی سنتی مانع توسعه سیاسی

۱. خویشاوندگرایی:

یکی از ویژه‌گی‌ها و خصیصه‌های فرهنگ سیاسی سنتی، تکیه بر ایل، تبار و قبیله‌ای است که افراد متعلق به آن هستند. در این فرهنگ مرز میان خود و بیگانه، قبیله و تبار است و افرادی که از تبار دیگر اند، در زمره بیگانه‌گان قرار می‌گیرند. در این‌جا استخدام افراد براساس اصل نسب‌گرایی است. اکتساب و دانایی اهمیت خود را از دست می‌دهد و به جای آن اعتبار خانوادگی و قومی شخص مهم است، نه تخصص و دانایی او. از این جهت است که در فرهنگ سیاسی سنتی اصل شایسته‌سالاری و کاردانی جایگاهی ندارد. این در حالی است که در جوامع توسعه‌یافته و دموکراتیک، اشخاص براساس شایستگی خود مناصب را تصاحب می‌کنند. تکیه بر خویش‌پنداری در مسایل مهم و کلان کشوری، مانع فراهم‌آوری زمینه‌های توسعه سیاسی می‌شود و نظام سلطه و اجبار حاکم می‌شود.

۲. شفاهی بودن و عدم پاسخ‌گویی:

در فرهنگ سنتی، حاکمیت قانون با مشکلات زیادی روبه‌رو است؛ زیرا اراده شخص دارنده قدرت، حاکم بر همه‌ی جریانات و فعالیت‌های اداری می‌باشد. قانون اداری در چنین فرهنگی جایگاه ندارد و خواسته‌های شخص دارنده قدرت، خود قانون است. لذا هیچ نهاد نظارت‌کننده بر روند کار اداره وجود ندارد و از همین دلیل است که اصل پاسخ‌گویی در این فرهنگ موجود نیست. این سخن به این معنا است که در چنین جامعه‌ای اصل بر داشتن صلاحیت است و از مسوولیت خبری نیست. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته قانون اداری حاکم بر همه اعمال اداره است و در آن پاسخ‌گویی وجود دارد. از آن روی که حاکمیت قانون و اصل پاسخ‌گویی نهادهای مسوول، از خصیصه‌های نظام‌های سیاسی کارا و توسعه‌یافته است، نبود آن می‌تواند یکی از چالش‌های جدی فراروی توسعه

سیاسی باشد.

۳. عدم تحرک اجتماعی:

افراد در جوامع سنتی از وضع اجتماعی - سیاسی خود راضی بوده و هیچ‌گونه علاقه‌ای به تغییر آن ندارند. برای این افراد مهم نیست که در زیست سیاسی آن‌ها چه می‌گذرد. آنان فقط خواهان عدم دخالت نهادهای مسوول در زنده‌گی عادی خود هستند.

به عبارت دیگر شهروندان جامعه سنتی انگیزه‌ای برای پیش‌رفت ندارند و در مسایل مربوط به زنده‌گی جمعی نقش منفعل دارند. مشارکت سیاسی و فعالیت‌های مدنی را برای خود نه تنها مسوولیت نمی‌دانند، که آن را یک کار اضافی تلقی می‌کنند. این مساله هم، یکی از چالش‌های موجود است که روند نوسازی و توسعه سیاسی را بطی می‌سازد؛ زیرا وجود شهروندان فعال و متحرک از عوامل مهم و انسانی توسعه است.

موارد فوق از شاخص‌های فرهنگ سیاسی سنتی‌اند که روند توسعه سیاسی را با موانع زیاد روبه‌رو می‌کند. ممکن مؤلفه‌های پرشمار دیگر در این خصوص وجود داشته باشد، اما در این‌جا بدان‌ها پرداخته نمی‌شود. در مقابل فرضی که مطرح می‌شود، این است که فرهنگ سیاسی مدرن و عقلانیت‌محور می‌تواند زمینه‌ی خوبی برای رشد توسعه سیاسی باشد.

فرهنگ سیاسی مدرن و عقلانیت‌گرا، بستری مناسب برای توسعه سیاسی

۱. تخصص‌گرایی:

به رغم خویشاوندگرایی که در فرهنگ سنتی حاکم بود، در فرهنگ سیاسی مدرن اصل بر کاردانی و شایستگی فرد است. در این فرهنگ مناصب و سمت‌های رسمی براساس توانایی فرد تصاحب می‌شود. به بیان دیگر در این جوامع اصل اکتسابی بودن وظایف و صلاحیت‌ها مطرح است. در انتخابات و مشارکت‌های سیاسی اشخاص نخبه و کاردان برای مدیریت سیاسی کشور گزینش می‌شوند. تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری است که جامعه انسانی را به سوی پویایی و شگوفایی رهنمون می‌شود و زمینه‌های کارآمدی سیستم سیاسی را فراهم می‌کند. بدون شک تخصص‌گرایی در همه‌ی ابعاد زنده‌گی تأثیر مثبت و سازنده دارد. در بعد سیاسی موجب می‌شود تا بهترین

شخصیت‌ها امور سیاسی را به دست گیرند که این مساله در توسعه سیاسی نقش سازنده و اساسی دارد.

۲. تحرک اجتماعی و نیروی انسانی فعال:

بی‌تردید نیروی انسانی مهم‌ترین عامل در تغییرات اجتماعی است. موجودیت نیروی انسانی کارا و متخصص در یک جامعه، سبب پیش‌رفت و ترقی آن جامعه می‌شود. افرادی که در جامعه دموکراتیک و مدرن زنده‌گی دارند، همواره به دنبال تغییر اند و تلاش می‌کنند فرادای خویش را از امروزشان بهتر سازند. این افراد همواره پشت کار داشته و کارآفرین هستند. به عبارت دیگر وضع موجود را برای برآورده کردن خواسته‌های خود کافی نمی‌دانند و تلاش می‌کنند به وضع مطلوب برسند. این جهش درونی در افراد جامعه، موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود. این مشارکت ممکن همسو با نظام سیاسی باشد و یا این‌که در مخالف با نظام سیاسی و حکومت، منتها آن‌چه ارزنده است، پویایی زیست سیاسی شهروندان است که زمینه توسعه سیاسی را فراهم می‌کند.

۳. حاکمیت قانون و میزان مشروعیت نظام:

در عصر مدرن تنها عامل مشروعیت نظام سیاسی، قانون‌مند بودن آن است. قانونی بودن اعمال حکومت و شهروندان، نوعی پاسخ‌گویی و شفافیت را در پی دارد. حکومت به هر اندازه که خود را قانون‌مدار و پاسخ‌گو بداند، به همان اندازه اعتماد سیاسی میان مردم و حکومت افزایش می‌یابد. در صورت عدم حاکمیت قانون هم اعتماد سیاسی از بین می‌رود و هم بحران مشروعیت پیش می‌آید که این خود مانع جدی برای توسعه سیاسی است، اما اگر نظام تابع قانون باشد، حتماً پاسخ‌گو هم است. در این صورت، مردم از نظام سیاسی خویش حمایت کرده، در افزایش قدرت ملی خویش نقش بازی می‌کنند. با این وجود می‌توان گفت که قانون‌گرایی و مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی از ملزومات توسعه سیاسی است.

نتیجه این گفتار آن است که فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی تأثیر جدی دارد. این تأثیر می‌تواند هم توسعه سیاسی را با چالش روبه‌رو کند و هم می‌تواند موجب شتاب در رشد آن شود. فرهنگ سیاسی سنتی مانع توسعه سیاسی است و در مقابل فرهنگ سیاسی مدرن و عقلانیت‌گرا می‌تواند به توسعه سیاسی کمک کند.

روایتی از یک انفجار در هرات مرد کفش دوزی که با آرزوی صلح قربانی جنگ شد

فرزندان ابراهیم، او در نخستین لحظات انفجار، آتش گرفت و پیش از رسیدن بدن سوخته‌اش به شفاخانه، جان سپرد.

مثل بسیاری از رویدادهای هراس‌انگیزانه، در میان قربانیان این رویداد هم زنان و کودکان شامل بودند. از دید فعالان مدنی در هرات، حمله بر اهداف غیرنظامی و کشتار مردم، هیچ توجیهی ندارد و باید قربانی شدن افراد بی‌گناه در کشور پایان داده شود.

سیداشرف سادات، فعال مدنی و عضو «گروه کاری حفاظت از غیرنظامیان در هرات» بر این باور است که در آستانه‌ی عید قربان و اجرای آتش‌بس بین طالبان و حکومت، انفجارهای اخیر در هرات، برای مردم پرسش‌برانگیز است.

به باور او، این مسأله پیچیده‌گی جنگ افغانستان را نشان می‌دهد و این که افراد زیادی هستند که منافع آن‌ها با جنگ گره خورده و ختم جنگ و تأمین صلح در کشور، به زبان‌شان است و نمی‌خواهند آتش جنگ، حتا در روزهای عید هم خاموش شود.

از دید آقای سادات، مردم انتظار دارند که آتش‌بس‌های کوتاه‌مدت با طالبان تداوم پیدا کند و سرانجام به صلح همیشه‌گی در کشور منتهی شود، اما هم‌زمان این نگرانی هم وجود دارد که صلح با طالبان، نقطه‌ی پایانی بر جنگ ۴۰ ساله افغانستان نباشد و سایر گروه‌های هراس‌انگیز، هم‌چنان بر طبل جنگ بکوبند و از مردم قربانی بگیرند.

فعالان مدنی بیم آن را دارند که قربانی شدن منافع افراد و گروه‌های جنگ طلب، که هست‌ونیست‌شان جنگ است و از این طریق برای خودشان نان‌وآب کسب می‌کنند، مانع بزرگی بر سر راه تأمین صلح در کشور باشد.

مانند ابراهیم، طی سال‌های جنگ ویران‌گر افغانستان، هزاران شهروند کشور که کام‌شان تشنه‌ی باران صلح بود، در آرزوی صلح، قربانی جنگ شدند و رویای پایان جنگ را با خودشان به زیر خاک بردند.



خانواده‌اش بود. با مرگ این پیرمرد، معلوم نیست سرنوشت بازمانده‌گانش چه می‌شود.

به گفته‌ی عصمت‌الله، پدرش از جوانی کارگر ساختمان بود و با دشواری و مشقت فراوان، عرق می‌ریخت و زحمت می‌کشید، اما بدن نحیف او دیگر توان کارگری نداشت و چند سال پیش، در گوشه‌ای از پیاده‌روهای شهرنو هرات، مشغول کفش‌دوزی شد. به روایت پسر ابراهیم، او همواره در فکر ختم جنگ و تأمین صلح در کشور بود، اما هر باری که آرزوی صلح را بر زبان می‌آورد، زیر لب زمزمه می‌کرد، در افغانستان به این زودی‌ها ممکن نیست جنگ تمام شود.

عصمت‌الله می‌گوید: «تمی‌دانم هدف گروه‌های تروریستی از کشتن افراد بی‌گناه چیست؟ در کدام دین و کدام مذهب و آیین کشتن پیرمرد غریب‌کاری که یگانه‌ان‌آور خانه‌اش است جواز دارد؟» به روایت

مانند نیاز فوری به خون داشت، اما روز بعد، قلبش از تپش ایستاد و جان باخت.

در حال خارج شدن از بخش عاجل بودم که صدای گریه و ناله‌ی زنی به گوش رسید، گفت از مسافران موتور است و به گونه‌ی معجزه‌آسایی زنده مانده است. سکینه حسینی، در حالی که هم‌چنان گریه‌اش ادامه داشت، لحظه انفجار را روایت کرد.

این که با گذشت چند ثانیه، آتش تمام موتور را فرا گرفت و جز آتش، دود و خون، دیگر چیزی در اطراف آن دیده نمی‌شد. مسوول هرات آمبولانس، که همکارانش زخمی‌ها و کشته‌ها را از محل حادثه به شفاخانه آورده بودند، از جان‌باختن چهار تن و زخمی شدن سه تن دیگر در این رویداد سخن گفت.

پسر ابراهیم، مرد کفش‌دوزی که در پی انفجار کشته شد، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید از پدرش چهار پسر و دو دختر باقی مانده و او یگانه‌ان‌آور

ابراهیم، مردی که حرفه‌ی موچی‌گری (کفش‌دوزی) داشت و برای پیدا کردن لقمه‌نانی به اعضای خانواده‌اش، زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای سوزناک زمستان کار می‌کرد، با تاریک شدن هوا وسایل خود را جمع کرد و به



محمدن سین نیکخواه

سمت خانه روان شد. او از مسافران موتوری بود که یک روز مانده به عید قربان، انفجار بمب جاسازی شده در آن، شادی عید را برای مسافران، به عزا بدل کرد. شام‌گاه چهارشنبه، هشتم اسد، برای بازمانده‌گان قربانیان این حادثه، روزی نحس بود.

با گذشت چند دقیقه از وقوع انفجار، زخمی‌ها و کشته‌ها به شفاخانه حوزه‌های هرات منتقل شده بودند؛ مقابل دروازه ورودی شفاخانه شلوغ بود و وابسته‌گان قربانیان با دنیایی از ترس و استرسی که در چهره‌های‌شان موج می‌زد، برای جویا شدن وضعیت عزیزان‌شان، خودشان را به این مرکز درمانی می‌رسانند.

ده‌ها نفر مقابل دروازه بخش عاجل هجوم آورده بودند و نیروهای امنیتی شفاخانه که به تنهایی حریف ازدحام بیش از حد نمی‌شدند، از پولیس برای کنترل اوضاع کمک خواسته بودند. مأموران مسلح، تلاش می‌کردند مانع داخل شدن وابسته‌گان قربانیان و زخمی‌ها به بخش عاجل شوند، تا پزشکان بتوانند روند درمان و رسیده‌گی به بیماران را پیش ببرند.

در میان ازدحام اقارب قربانیان، یکی از نیروهای امنیتی با دیدن کارت هویت من، اجازه داد به اتاق عاجل داخل شوم، در نگاه اول، چشمم به مرد کهن‌سالی افتاد که پزشکان در حال درمانش بودند. خونی که از بدن پیرمرد ریخته بود، بخشی از ریش سفیدش را سرخ کرده بود.

کمی آن‌سوتر، پزشکان و پرستاران سعی داشتند زنده‌گی مردی که یک پایش به دنبال انفجار قطع شده بود را نجات دهند، او خون زیادی از دست داده بود و برای زنده

عارف وفايي، پژوهشگر روابط بين الملل

سایه‌ی رقابت جهانی بر مذاکرات صلح

نشان دادن قدرت و حفظ ساختار بین‌المللی باید در سراسر جهان به خصوص مناطق آسیب‌پذیر، مانند افغانستان، دخالت کند. زیرا از دست دادن آن برای رقیبان وی یک امتیاز حساب شده و باعث افزایش قدرت آن‌ها می‌شود و این چیزی است که قدرت‌های بزرگ آن را نمی‌خواهند، مگر این که محدودیت‌های دست‌وپاگیر مانع‌شان شوند. تمایل قدرت‌های بزرگ برای دخالت، ارتباط مستقیم با ظرفیت و شرایط سیاسی، نظامی و اقتصادی‌شان دارد. کشورهای که از ثبات و اطمینان بیش‌تر سیاسی و اقتصادی برخوردار اند، تمایل بیش‌تر برای رقابت و مداخله دارند. به همین ترتیب دولت‌هایی که قدرت‌شان در



و اختلافات داخلی به میدان رقابت کشورهای بزرگ بدل می‌شوند. موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی برای کشورها یک امتیاز جهت برخورداری از قدرت به شمار می‌رود. ضعف حاکمیت و عدم کنترل دولت بر قلمرو، خودش فضاهای خالی را ایجاد می‌کند که از مجرای آن قدرت‌ها برای دخالت و سوسه می‌شوند. اکثراً این مناطق مورد هدف چندین قدرت بزرگ قرار می‌گیرد و این برخوردهای نخستین، زمینه را برای رقابت‌های سیاسی و نظامی به صورت دوام‌دار در جهان فراهم می‌کند. به همین دلیل است که در همه کشورهای ضعیف، جنگ، ویرانی و فقر وجود دارد. از لیبیا، فلسطین، سوریه و یمن گرفته تا افغانستان، همه میدان رقابت قدرت‌های بزرگ هستند و سر منشای اصلی چنین مداخلاتی، اختلافات درونی است. در واقع هر اختلافی قابل حل است و هیچ‌گونه تعارض ذاتی و خودجوش که خشونت را به صورت مستمر در جامعه نگه دارد، وجود ندارد. اختلافات زمانی برجسته می‌شود که پای دخالت یک کشور خارجی در آن‌جا دراز شود. در آن صورت اختلافات شدید می‌شود و به صورت خشونت و جنگ‌های دوام‌دار درمی‌آید. این قضیه در مورد روند صلح افغانستان نیز صدق می‌کند.

امریکا با افغانستان سرحد مشترک، که باعث همکاری و اختلاف شود، ندارد. در این‌جا منافع تجاری و اقتصادی نیز ندارد، اما صرف برای رقابت با سایر کشورها در افغانستان حضور داشته است. امریکا برای

سال‌های ۱۹۸۹ نقش مهمی را در نظام بین‌الملل بازی کرده است. در این مدت تحولات جهان را اگر نتوان گفت «در مسیر»، به جرأت می‌توان گفت که «تحت تأثیر» سیاست‌های ایالات متحده قرار داشته است. افغانستان نیز به عنوان یک واحد سیاسی از این تأثیر مصون نبوده است و همواره تحت تأثیر رقابت‌های جهانی به ویژه سیاست امریکا قرار گرفته است. زیرا منافع قدرت‌های بزرگ به ویژه ابرقدرت‌ها در سراسر جهان گسترش می‌یابد و ابر قدرت توانایی دفاع و برخورداری از منافع در سراسر جهان را دارد. گرچه ابر قدرت‌ها توانایی استفاده از زور را دارد، اما ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم بیش‌تر از قدرت نرم برای تسلط هژمونیک و اقتدارش استفاده نموده است. دولت افغانستان از زمانه‌های دور، عرصه رقابت و برخورد منافع قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. دولت‌ها و گروه‌های حاکم در افغانستان مورد استثمار قدرت‌ها قرار گرفته‌اند و در جهت تأمین منافع آنان وطن‌شان را به تباهی کشیده‌اند. از بریتانیای کبیر گرفته تا اتحاد جماهیر شوروی و امریکا همه به ترتیب در ویرانی و در عقب نگه داشتن افغانستان نقش داشته‌اند. اما چرا کشورها مورد تجاوز و یا دخالت کشورهای بزرگ قرار می‌گیرند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که کشورها، بر خلاف تصور غالب که به دلیل موقعیت استراتژیک و یا ذخایر طبیعی به عرصه رقابت بدل می‌شوند، از نظر من کشورهای به دلیل ضعف حاکمیت

ساختار، یکی از اصطلاحات خیلی مهم و پر کاربرد در روابط بین‌الملل است. ساختار به نحوه چینش واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل اشاره دارد. از نظر کنت والتز نظام بین‌الملل، آنارشیک، یعنی بدون وجود اقتدار سلسله‌مراتبی، است. در این فضا همه واحدهای سیاسی یعنی دولت‌ها، در یک رقابت تنگاتنگ به سر می‌برند. این واحدهای بسیط و غیر قابل تجزیه برای دستیابی به منافع ملی‌شان در فضای آنارشیک رقابت می‌کنند. از نظر رئالیست‌ها، مهم‌ترین ویژه‌گی‌های فضای آنارشیک را نبود اعتماد، خودیاری و افزایش قدرت تشکیل می‌دهد. بنا بر این، دولت‌ها بدون اعتماد به یک‌دیگر، برای افزایش قدرت با هم‌دیگر در رقابت هستند. میزان برخورداری از قدرت، وزن سیاسی کشورها را در نظام بین‌الملل تعیین می‌کند. قدرت نقش مهم در ساختار نظام بین‌الملل دارد. در واقع قدرت تعیین می‌کند که یک دولت چه نقشی را در نظام بین‌الملل بازی کند. به همین دلیل واحدهای سیاسی را در نظام بین‌الملل، بر اساس برخورداری از قدرت‌شان، دسته‌بندی می‌کنند. در این دسته‌بندی کشورها به دولت‌های ضعیف، قدرت‌مند، قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت تقسیم می‌شوند. از نظر رئالیست‌ها نحوه توزیع قدرت، ساختار نظام بین‌الملل را تعیین می‌کند. چگونه‌گی ساختار و نوعیت آن مانند، تک‌قطبی، دوقطبی و چندقطبی تأثیر تعیین‌کننده بر کنش‌های سایر بازیگران در نظام بین‌الملل دارد. جهان تاکنون ساختارهای متفاوتی را مانند چندقطبی قبل از جنگ جهانی دوم، ساختار دو قطبی دوران جنگ سرد و ساختار تک قطبی بعد از پایان جنگ سرد را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد که اکنون این ساختار تک‌قطبی نیز در حال دگرگونی است. این‌که این ساختار در آینده چه شکلی را اختیار خواهد کرد و رقابت‌های چین، امریکا و احتمالاً اتحادیه اروپا به کجا منتهی خواهد شد؟ موضوع بحث ما نیست. ما در این مقاله سعی داریم که نقش و تأثیر این ساختار در حال تغییر را بر روند صلح افغانستان بررسی کنیم.

همان‌گونه که در فوق متذکر شدیم، نوعیت ساختار بر رفتار دولت‌ها تأثیر تعیین‌کننده دارد. در واقع رقابت قدرت‌های بزرگ سرنوشت سیاسی سایر کشورها را نیز تعیین می‌کند. بعد از پایان جنگ سرد به اعتقاد اکثر دانشمندان، جهان شاهد ساختار تک‌قطبی بود. ایالات متحده امریکا بعد از

تنش‌های مرزی بین آذربایجان و ارمنستان

ارمنستان و آذربایجان زمانی از جمهوریت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند. وقتی تنش بین ارمنستان و آذربایجان به وقوع پیوست، کشورهای منطقه و جهان منتظر واکنش بودند. جغرافیایی که اتحاد شوروی سابق در آن مسلط بود، در عمق استراتژیک روسیه از اهمیت خاصی برخوردار است.

تیمور تورانی



۳۰ سال است که مسأله قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان به یک معضل میان دو کشور همسایه تبدیل شده و گاهی این تنش جنگ و درگیری خونین را نیز در پی داشته است. آخرین برخورد نظامی بین این دو کشور به روزهای ۱۲ - ۱۳ جولای همین سال روی داد. از سال ۲۰۱۶ به این سو این اولین بار است که مشکل مرزی ارمنستان و آذربایجان توجه کشورهای دیگر را به خود جلب کرده است. روسیه که رهبری سازمان امنیت جمعی را در آسیا دارد، گاهی در مقام میانجی برای حل تنش میان ارمنستان و آذربایجان ظاهر می‌شود و گاه هم به حمایت از ارمنستان پا به صحنه می‌گذارد.

آیا روسیه باعث شد تا جنگ بین آذربایجان و ارمنستان شدت پیدا کند؟ چرا اعضای سازمان امنیت جمعی در حالی که روسیه رهبری آن را دارد، برای حل اساسی این مسأله مداخله نمی‌کنند؟ چه رابط‌های بین سازمان امنیت جمعی و عمق سیاست خارجی روسیه در قفقاز جنوبی وجود دارد؟ نقش کدام کشور در عمق استراتژی اورآسیا حایز اهمیت است؟ به خاطر دریافت پاسخ به این سوالات، عمق استراتژیک روسیه را در منطقه بررسی کرده سعی می‌کنیم تنشی را که میان آذربایجان و ارمنستان ادامه دارد، ریشه‌یابی کنیم.

سازمان امنیت جمعی و برخورد روسیه

ارمنستان و آذربایجان زمانی از جمهوریت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند. وقتی تنش بین ارمنستان و آذربایجان به وقوع پیوست، کشورهای منطقه و جهان منتظر واکنش بودند. جغرافیایی که اتحاد شوروی سابق در آن مسلط بود، در عمق استراتژیک روسیه از اهمیت خاصی برخوردار است.

روسیه در سال ۱۹۹۳ با انتشار «دکتورین کرگنوو» (Kregnov) منطقه‌ای را که زمانی اتحاد جماهیر شوروی سابق در آن مسلط بود، من حیث «باغچه پشت در» خود اعلان کرده تأکید ورزید که روسیه هر نوع مداخله در این منطقه را، مداخله به مساوی داخلی خویش تلقی می‌کند. روسیه در این دکتورین به شکل بسیار واضح بیان کرده است که به خاطر امنیت این منطقه از هیچ نوع سعی و تلاش و حتا در صورت ضرورت از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای نیز دریغ نخواهد کرد؛ چرا این دکتورین را بسیاری‌ها «دکتورین مونرو»ی روسیه می‌نامند. احتمالاً دلیل آن به واژه‌های تند و تیز محتوای دکتورین یاد شده برگردد.

از سال ۱۹۹۳ تا حال تغییرات زیادی در سیاست داخلی و خارجی روسیه به وجود آمده است، اما در عمق استراتژیک روسیه در قبال قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق هیچ چیزی تغییر نکرده است. برعکس دولت روسیه بارها در بیانات رسمی خود به اهمیت قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق برای مسکو تأکید کرده است. در آغاز سال‌های ۲۰۰۰ روسیه برای تحکیم امنیت و توسعه اقتصادی این منطقه قدم‌های تازه‌ای برداشت که دال بر اهمیت این منطقه برای مسکو تلقی می‌شود.

در آخرین برخوردی که بین ارمنستان و آذربایجان به وقوع پیوست، جهانیان منتظر عکس‌العمل اعضای سازمان امنیت جمعی (روسیه، تاجیکستان، بلاروس، قزاقستان، ارمنستان و قرغیزستان) به محوریت روسیه بودند. حالا اهمیت مسأله وابسته به پاسخ این پرسش است که آیا این کشورها می‌توانند مانند سازمان «ناتو» به شکل جمعی علیه آذربایجان و هر

آن کشوری که با یکی از اعضای این سازمان درگیر شود، عمل کنند؟ چون در ماده چهارم این توافق‌نامه این‌گونه قید شده است:

«حمله بالای هر یکی از اعضای این سازمان، حمله بالای تمام این کشورها تلقی خواهد شد.»

وقتی به اولویت‌های سیاست خارجی روسیه در منطقه قفقاز توجه کنیم، تحلیل در رابطه به حوادث این منطقه خیلی دشوار نخواهد بود.

سازمان امنیت جمعی در سال ۲۰۰۲ میلادی به رهبری روسیه تشکیل شد، اما در سال ۲۰۱۶ وقتی تنش بین ارمنستان و آذربایجان بالای قره‌باغ به اوج خود رسید، این سازمان به صدور اعلامیه‌ها بسنده کرد و هیچ نوع مداخله‌ی نظامی نکرد. یک مثال از خود روسیه بیابیم. وقتی روسیه در ۸ اگست سال ۲۰۰۸ بالای گرجستان حمله کرد، سازمان امنیت جمعی به آن واکنش نشان نداد. در مسأله اوکراین نیز عمل کرد سازمان متفاوت از مداخله روسیه به گرجستان نبود.

خلاصه و نتیجه این بحث: روسیه در تمام مواردی که در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق روی می‌دهد، خود مستقلانه عمل می‌کند و هیچ توجهی به نظریات سازمان امنیت جمعی ندارد. در این جا است که موجودیت سازمان امنیت جمعی با پرسش روبه‌رو می‌شود.

سازمان امنیت جمعی برای چه و چگونه تأسیس شد؟

وقتی تفاهم‌نامه سازمان امنیت جمعی را با دقت بررسی کنیم، درمی‌یابیم که سازمان امنیت جمعی «ناتو»ی دیگری است که در شرق تأسیس شده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق برای حفظ استقلال کشورهای عضو سازمان و مقابله در برابر تهدیدهای احتمالی کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا و ناتو، روسیه در پی ایجاد سازمانی شد که بتواند توازنی را بین شرق و غرب به وجود آورد. سازمان امنیت جمعی به رهبری روسیه به همین هدف ایجاد شد. ضرورت ایجاد این سازمان زمانی احساس شد که کشورهایی مانند آذربایجان، اوکراین و گرجستان بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق به جای نزدیکی با روسیه، در پی تأمین روابط اقتصادی با کشورهای غربی به ویژه اروپا برآمدند. روسیه به جز از آذربایجان، با اوکراین و گرجستان درگیر شد. اما در برابر آذربایجان تا پیش از برقراری آتش‌بس بین ارمنستان و آذربایجان تا سال ۱۹۹۴ به شکل پنهانی به ارمنستان کمک‌های نظامی و اقتصادی می‌کرد تا در برابر آذربایجان ایستاده‌گی کند. برخورد روسیه با آذربایجان متفاوت از برخورد

مسکو با کی‌یف و تیفلیس بوده است. مسکو همیشه کوشیده است تا با باکو علناً درگیر نشود. در این مدت آذربایجان با ایجاد خط لوله گاز باکو-تیفلیس و جبهان توانسته است اهمیت پروژه تناب را که به دست روسیه است، به چالش بکشد. این پروژه می‌تواند گازهای استخراج‌نشده آذربایجان را از طریق گرجستان و ترکیه به اروپا انتقال دهد که ضربه بزرگی را به اقتصاد روسیه وارد خواهد کرد و این خود باعث شده است تا روابط این دو کشور متشنج شود. با آن هم مسکو قصد ندارد برای حمایت از ارمنستان، با آذربایجان روبه‌رو شود. حال روشن شد که چرا روسیه نمی‌خواهد با آذربایجان درگیر شود.

درد سرهای روسیه در اورآسیا

زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سابق از هم پاشید، مشکل اساسی حکومت نوتأسیس روسیه را بحث قرض‌های اتحاد شوروی سابق از کشورهای جهان و یا هم نوع و ساختار حکومت جدید تشکیل نمی‌داد، بلکه روسیه درگیر مسایلی بود که با اعلان دکتورین ۱۹۹۳ بیش‌تر برجسته شد. هنگام فروپاشی شوروی سابق دکتورین «سیناترا» جمهوریت‌های پانزده‌گانه وابسته به اتحاد جماهیر اتحاد شوروی را مستقل و مجزا از مسکو اعلام کرده بود. جایگاه روسیه از نگاه امنیت و اقتصاد برای این کشورها از اهمیت خاصی برخوردار بود. در جریان سال‌های ۱۹۹۶ بعد از این که روسیه به اهداف ایالات متحده آمریکا در اورآسیا پی برد، سیاست خارجی خود را ۱۸۰ درجه تغییر داد و در عمق سیاست خارجی خویش «اورآسیاگرایی» را جا داد و خود را به چین نزدیک کرد. این راهبرد که از سوی یوگینی پریماکوف طرح شده بود، در سال‌های ۲۰۰۰ بعد از این که پوتین قدرت را به دست گرفت، عملاً به یک راهبرد جدی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. روسیه با این راهبرد توانست خود را به چین و کشورهای اورآسیا که در امنیت روسیه اهمیت خاصی دارند، نزدیک سازد. این نزدیکی باعث شد تا سازمان همکاری‌های مشترک شانگهای که آن را به نام «سازمان پنج‌گانه» نیز یاد می‌کنند، ایجاد شود. روسیه با ایجاد سازمان امنیت جمعی و با ایجاد اقتصاد مشترک در اورآسیا، از روابط محدود کشورهای منطقه آگاه بود. همین باعث شد که روسیه با مداخله نظامی در کشورهایی مانند اوکراین و گرجستان، خواست این معضل را به پایان برساند. مسأله دیگری که روسیه را درگیر خود کرده، فعالیت‌های ایالات متحده آمریکا و چین در این منطقه است. چین با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در منطقه می‌خواهد روابط گسترده را با ترکمنستان و قزاقستان ایجاد کند. ایجاد خط لوله گاز منطقه

با چین و روابط گسترده ترانزیتی با کشورهای یاد شده به نفع روسیه نیست. با آن هم با راه دادن چین در منطقه در اصل روسیه می‌خواهد به دنیای غرب گوش‌زد کند که تنها نیست و چین را در پهلوی خود دارد.

ویروس کرونا ضربه‌ای محکم بر سکتور انرژی روسیه وارد کرده است. روسیه در پهلوی فعالیت‌های گسترده‌ی خود در لیبیا و سوریه، با نفوذ چین در منطقه اورآسیا نیز مجادله می‌کند. بدیهی است که این کشور با داشتن چنین معضل بزرگ در منطقه، بعد از حمله بالای اوکراین دیگر نمی‌خواهد از سیاست تسلط‌گرایی خود بر کشورهای همسایه دست بردارد. دلیل این که چرا معضل «طاووس» در این برهه حساس ظهور کرد، این‌جا به آن می‌پردازیم. چرا ارمنستان به قره‌باغ نه، به «طاووس» حمله کرد؟ در گذشته جنگ‌های خونین میان ارمنستان و آذربایجان در منطقه‌ی مرکزی قره‌باغ آذربایجان روی داده است. این که حالا ارمنستان مثل گذشته به جای قره‌باغ به طاووس حمله کرده، جای سوال دارد. شهر طاووس منطقه راهبردی آذربایجان است. دهلیز تمام پروژه‌های آذربایجان را همین منطقه تشکیل می‌دهد و بسیاری لوله‌های نفتی از همین‌جا عبور کرده اول به گرجستان و سپس به ترکیه رد می‌شود. پروژه تناب که سال گذشته گشایش یافت، از همین منطقه عبور می‌کند و خط لوله‌ی نفت باکو - تیفلیس - جبهان در پهلوی آن خط آهن باکو - تیفلیس نیز از این‌جا می‌گذرد. ارمنستان با درک این مسأله که اگر بتواند بالای این شهر مسلط شود، می‌تواند ترانزیت انرژی باکو را ببندد و ضربه اقتصادی را هم به ترکیه و هم آذربایجان وارد کند، به این شهر حمله کرد.

حمله بالای طاووس ابعاد مختلف دارد و منشأ این را باید در خاور میانه که ترکیه یکی از بازیگران این جنگ نیز است، جست‌وجو کرد. طوری که گفتیم، آذربایجان با سیاست‌های اورآسیاگری روسیه مخالف است و بیش‌تر منفعت اقتصادی خویش را در اروپا و دیگر کشورهای عضو ناتو جست‌وجو می‌کند. این مسأله باعث شده است تا روسیه علیه آذربایجان ایستاده‌گی کند.

در عین حال روس‌ها در خاور میانه هم در سوریه و هم در لیبیا با ترکیه درگیر اند و در پهلوی آن خط لوله نورد استریم (Nord stream) روسیه با آلمان بنا بر تحریم‌های آمریکا پیش‌رفته و تناب جای این پروژه را از آن خود کرده است. پس از گرفتن پایگاه الوطیه در غرب طرابلس از طرف نیروهای ترکی، وضعیت روس‌ها در خاور میانه خوب نیست و ترک‌ها با بسیار ساده‌گی می‌توانند نیروهای روسی را تحت ترصد خود قرار دهند.

در همین حال روس‌ها با باز کردن جبهه دوم در قفقاز خواهان جنگ نیابتی با ترک‌ها در این منطقه‌اند تا بتوانند هم سیاست اورآسیاگری خود را پیش ببرند و هم سدی را در برابر ناتو ایجاد کرده و از فشار ترکیه در خاور میانه بکاهند. دلیل دیگری که ارمنستان را وادار کرده است تا بالای شهر طاووس آذربایجان حمله کند، تشویق و حمایت کشورهای ذی‌دخل در جنگ خاور میانه مانند ایران، فرانسه و امارات است. کشورهای یاد شده که در پهلوی روسیه در خاور میانه علیه ترکیه فعالیت دارند، از حضور ترکیه در منطقه ناراحت‌اند. باز شدن یک جبهه جدید و یک جنگ نیابتی در منطقه قفقاز، به نفع این کشورها تمام خواهد شد. از این رو است که عبدالله بن زاید هر از گاهی به ارمنستان سفر کرده با زمامداران این کشور دیدار می‌کند.

منابع انرژی پاک و تجدیدپذیر در افغانستان



معروف ضیایی

تولید انرژی کشور می‌کند. در این میان حوزه فرعی دریای کنر با ظرفیت ۱۰۹۰ میگوات، بلندترین و حوزه فرعی دریای لغمان با ظرفیت بالقوه ۴۴ میگوات، کمترین ظرفیت را دارد.

۲. حوزه دریایی پنج‌آمو
حوزه دریایی آمو/پنج یکی از مهم‌ترین حوزه‌های دریایی کشور به شمار رفته که با داشتن ظرفیت بالقوه تولید ۱۳۷ ۲۰ میگوات برق آبی ۸۶،۲۰ درصد ظرفیت بالقوه تولید انرژی کشور را به خود اختصاص داده است. این حوزه آبی شامل چهار حوزه فرعی شده که حوزه فرعی پنج ظرفیت ۹۰۵۰ میگوات، حوزه آمو ظرفیت ۹۱۱۰ میگوات، حوزه کوچک ظرفیت ۱۹۲۷ میگوات و حوزه کندز ظرفیت بالقوه تولید ۵۰ میگوات برق را دارد. قابل ذکر است که از این میان سه حوزه فرعی در بدخشان موقعیت داشته و یک حوزه دیگر آن در ولایت‌های کندز و تخار موقعیت دارد.

۳. حوزه دریایی شمال
حوزه دریایی جوزجان و بلخ که در ولایت‌های بلخ و جوزجان موقعیت دارد، سومین حوزه دریایی کشور با ظرفیت بالقوه تولید انرژی ۷۶۰ میگوات برق بوده که ۳،۳ درصد مجموع ظرفیت بالقوه تولید انرژی کشور را به خود اختصاص داده است.

۴. حوزه دریایی هریورد/مرغاب
این حوزه دریایی در غرب کشور موقعیت داشته و دو حوزه فرعی هریورد و مرغاب را شامل می‌شود. این حوزه دریایی ظرفیت بالقوه تولید ۲۰۲ میگوات برق آبی را داشته که ۰،۶ درصد مجموع ظرفیت تولید انرژی آبی کشور را تشکیل می‌دهد.

۵. حوزه دریایی هلمند
این حوزه دریایی شامل دو حوزه فرعی دریای هلمند و فراه‌رود می‌باشد. این حوزه دریایی ظرفیت بالقوه تولید ۲۷۰ میگوات برق را دارد که ۰،۷ درصد ظرفیت بالقوه تولید انرژی کشور را تشکیل می‌دهد.

جدول ظرفیت بالقوه تولید انرژی آبی در کشور:

| شماره | حوزه | دریا | ظرفیت به میگوات | درصدی |
|-------|---------|---------|-----------------|-------|
| 1 | کابل | کابل | 408 | 81 |
| 2 | پنجشیر | پنجشیر | 400 | 71 |
| 3 | لغمان | لغمان | 44 | 0.2 |
| 4 | کنر | کنر | 1089 | 4.7 |
| 5 | پنج‌آمو | پنج‌آمو | 9050 | 38.8 |
| 6 | آمو | آمو | 9110 | 39.1 |
| 7 | کوکیجه | کوکیجه | 1927 | 8.3 |
| 8 | کندز | کندز | 50 | 0.2 |
| 9 | شمال | جوزجان | 460 | 2.0 |
| 10 | بلخ | بلخ | 300 | 1.3 |

که کلاً با محیط زیست سازگار است. بیوگاز در یک فرایند تجزیه بی‌هوازی (زنده و فعال بودن بدون هوا و آکسیجن) توسط باکتری‌های بی‌هوازی و یا در یک فرایند تخمیر مواد قابل تجزیه از قبیل کود زراعتی، فاضلاب، زباله‌ها و کثافات شهرداری، زباله‌ها سبز (باغ‌ها و پارک‌ها) مواد گیاهی و محصولات زراعتی به دست می‌آید. این گاز به طور کل از میتان و کاربن دای اکساید تشکیل شده و ممکن است مقادیر ناچیزی هایدروجن سلفاید، بخار آب و اکساید سیلیکین نیز داشته باشد. اجزای تشکیل‌دهنده این گاز، ۶۲ الی ۷۰ درصد گاز میتان و ۳۰ الی ۳۵ درصد کاربن دای اکساید است. این گاز در شرایط تهیه آزمایشگاهی قابل اشتعال بوده و ارزش حرارتی آن دو برابر گرمایی است که از سوزاندن پاروی حیوانات به صورت عادی تولید می‌گردد. بیوگاز ظرفیت جدید برای تولید انرژی در افغانستان است که از این منبع از بابت کثافات جامد و مواد زاید شهرداری‌ها، فضله حیوانات و بقایای زباله‌های سبز، مواد گیاهی پوسیده و محصولات زراعتی و گیاهان در حدود ۴۴۰۰ میگوات برق در ساعت می‌توان تولید کرد.

از هر تن مواد زاید و کثافات شهرداری ۵۵۰ کیلووات برق در ساعت، از هر تن فضله و پاروی حیوانی ۱۵۵ کیلووات برق در ساعت و از هر تن مواد فضله و پوسیده زراعتی ۴۱۷۰ کیلووات برق در ساعت تولید می‌شود.

در شهرهای بزرگ کشور چون کابل، هرات، مزار شریف و قندهار ظرفیت تولید بیش‌تر از ۱۵۰ تن مواد فضله در روز وجود داشته و در سایر شهرها و شهرک‌ها این ظرفیت متفاوت می‌باشد.

با وجود این‌همه ظرفیت بالقوه شگفتی‌انگیز در راستای تولید انرژی پاک در افغانستان، متأسفانه حتی باشندگان شهر کابل، پایتخت کشور، به گونه‌ی ۲۴ ساعته به انرژی برق دسترسی ندارند. با سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه و مدیریت درست منابع، این کشور ظرفیت تولید برق کافی جهت تامین نیازهای داخلی و حتا صادرات برق به کشورهای همسایه را دارد. ولایت بدخشان در شمال‌شرق کشور، به تنهایی ظرفیت تولید ۲۰۱۳۷ میگوات برق از مجموع ظرفیت بالقوه ۲۳۳۱۰ میگوات را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده ۸۶،۲۰ درصد کل ظرفیت بالقوه تولید انرژی کشور است. ولایت‌های هرات، بادغیس، فراه و نیمروز در تولید انرژی بادی بی‌نظیر اند و اکثریت مطلق ولایات کشور با داشتن بیش‌تر از ۳۰۰ روز آفتابی در سال از ظرفیت بالایی تولید انرژی آفتابی برخوردار می‌باشند. تامین امنیت و تسهیل مشارکت عامه و خصوصی در پهلوی سرمایه‌گذاری‌های خارجی، می‌تواند نقش عمده در راستای تولید انرژی پاک و تبدیل کردن این کشور به یکی از صادرکننده‌گان انرژی به کشورهای منطقه بازی کند.

| 11 | هریورد/مرغاب | هریورد | 102 | 0.2 |
|---|--------------|----------|-------|-----|
| 12 <td>مرغاب</td> <td>مرغاب</td> <td>100</td> <td>0.4</td> | مرغاب | مرغاب | 100 | 0.4 |
| 13 <td>هلمند</td> <td>هلمند</td> <td>190</td> <td>0.4</td> | هلمند | هلمند | 190 | 0.4 |
| 14 <td>فراه‌رود</td> <td>فراه‌رود</td> <td>80</td> <td>0.3</td> | فراه‌رود | فراه‌رود | 80 | 0.3 |
| مجموع | | | 23310 | |

دوم: انرژی باد

افغانستان با طبیعتی که دارد، در کل ظرفیت تولید ۱۴۷۵۶۳ میگوات برق بادی را دارد. اولین دستگاه تولید انرژی بادی در افغانستان در سال ۲۰۰۸ در ولایت پنجشیر ایجاد شد که متشکل از ده توربین بادی بوده و ظرفیت تولید ۱۰۰ کیلووات برق در ساعت را دارد که از آن برای تسخین و تنویر محوطه مقام ولایت پنجشیر استفاده می‌شود. فراه با ظرفیت تولید ۶۱۳۵۳ میگوات برق بادی مقام اول، هرات با ظرفیت ۳۶۴۹۷ میگوات مقام دوم، نیمروز با ظرفیت ۲۱۴۵۰ میگوات مقام سوم، تخار با ظرفیت ۴۷۹۵ میگوات برق مقام چهارم و بدخشان با ظرفیت تولید ۳۳۱۴ میگوات برق بادی مقام پنجم را دارد. انرژی بادی بعد از انرژی آبی، دومین منبع انرژی پاک و ارزان در جهان به شمار می‌رود. این‌گونه انرژی در کشور تا کنون ناشناخته باقی مانده و از این ظرفیت خدادادی و طبیعی تا کنون به گونه‌ی شاید و باید آن استفاده نشده است. انرژی بادی با نصب توربین‌های بادی کوچک، متوسط و بزرگ به دست آمده و به گونه‌ی مستقیم و یا بعد از ذخیره‌سازی در بطری‌های مخصوص، توسط خانواده‌ها و یا برای مقاصد صنعتی استفاده می‌شود.

سوم: انرژی آفتابی

افغانستان در کل با داشتن ۳۰۰ روز آفتابی در سال، ظرفیت بالقوه برای تولید ۲۲۲۸۵۲ میگوات برق آفتابی را دارد. شدت شعاع آفتاب به صورت متوسط در ۲۴ ساعت ۱۶۵ وات در یک متر مربع است. نظر به مطالعات امکان‌سنجی که صورت گرفته، استحصال ۲۲۲۸۵۲ میگوات برق آفتابی جداً مقدور بوده و ولایت‌های هلمند، قندهار، هرات، فراه و نیمروز مقام‌های اول تا پنجم را دارا می‌باشند. انرژی آفتابی بعد از انرژی آبی و بادی سومین منبع ارزان و آسان انرژی پاک به شمار می‌رود که از آن تا کنون استفاده‌ی بهینه صورت نگرفته است.

چهارم: انرژی بیوگاز/بایوماس یا با گاز زیستی

بیوگاز که از شکستن میکروارگانیسم‌ها و باکتری‌هایی در غیاب آکسیجن به وجود می‌آید، یک منبع تجدیدپذیر انرژی در قرن حاضر به حساب می‌آید. هم‌چون انرژی خورشیدی و انرژی بادی، گاز زیستی را نیز می‌توان از بیوگاز تولید کرد

انرژی تجدیدپذیر یا انرژی پاک به گونه‌ای از انرژی‌های موجود در جهان اطلاق می‌شود که آلودگی کم‌تری تولید می‌کند و از منابع قابل تجدید سرچشمه می‌گیرد. عمده‌ترین گونه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور ما، انرژی‌های آبی، آفتابی، بادی و بایومس است. در مقابل آن منابع انرژی غیرقابل تجدید یا سنتی قرار دارد که منابع عمده آن را نفت، گاز، چوب، پاروی حیوانات و غیره تشکیل می‌دهد.

افغانستان یکی از کشورهای در منطقه است که از ظرفیت بالقوه و فوق‌العاده در راستای تولید انرژی پاک برخوردار است، ولی تا کنون حتا از ۵ درصد این منابع هم استفاده صورت نگرفته است. متأسفانه با وجود این‌همه منابع، هنوز هم این کشور از لحاظ تامین انرژی وابسته‌گی مطلق به کشورهای همسایه دارد. در حال حاضر بیش‌تر از ۷۰ درصد انرژی برق مورد نیاز کشور وارداتی است که کشورهای تاجیکستان و ازبیکستان بخش عمده بازار انرژی را در این کشور به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که منابع آبی، بادی، آفتابی و بایوماس خود افغانستان ظرفیت تولید ۳۹۸۱۲۵ میگوات برق را دارد. از این میان ظرفیت بالقوه جهت تولید برق آبی ۲۳۳۱۰ میگوات، برق بادی ۱۴۷۵۶۳ میگوات، برق آفتابی ۲۲۲۸۵۲ میگوات و تولید برق از منابع بایومس یا زیست توده در حدود ۴۴۰۰ میگوات می‌باشد.

منابع عمده انرژی تجدیدپذیر یا انرژی پاک در افغانستان قرار ذیل است که متأسفانه در طی سالیان دراز سرمایه‌گذاری کافی روی آن صورت نگرفته است:

منابع انرژی آبی:

در سروی‌ای که توسط دولت افغانستان و موسسه جی‌آی‌زید در سال ۲۰۱۴ میلادی صورت گرفته است، حوزه‌های دریایی کشور را به پنج حوزه ذیل تقسیم شده و ظرفیت بالقوه تولید انرژی این حوزه‌ها را ۲۳۳۱۰ میگوات برق آبی برآورد کرده و به پنج حوزه آبی اصلی قرار ذیل تقسیم‌بندی نموده‌اند:

۱. حوزه دریایی کابل
حوزه دریایی کابل شامل چهار حوزه دریایی فرعی می‌شود. دریای کابل، دریای پنجشیر، دریای لغمان و دریای کنر شامل این حوزه شده و در مجموع ظرفیت تولید ۱۹۴۱ میگوات انرژی آبی را دارد که نماینده‌گی از ۸،۴ درصد مجموع ظرفیت بالقوه

درنگی بر نسبت اخلاق و سیاست



داوود پطین، دانشجوی سیاست

می‌توان ذیل این جریان تجمیع کرد. روایت افلاطون، ارسطو سقراط، ابن‌خلدون و تعدادی دیگر اندیشمندان در این قالب قرار می‌گیرد. چنان‌که افلاطون سیاست را جزیی از اخلاقیات می‌دانست. یا فاکس می‌گفت، آن‌چه از نظر اخلاقی نادرست است، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی درست باشد. این گفته‌ها حاکی از تقدم‌دهی اخلاق بر سیاست است. به همین ترتیب، بنیاد این امر به قول هان آرنه، این است که ما مرتباً امر سیاسی را به یک امر غیر سیاسی متکی می‌کنیم. ما نظامی را باورها را از بیرون از عرصه سیاست بنا می‌کنیم، آیینی را، نظام را، منظومه‌ای از دستورالعمل‌ها را و این‌ها هستند که بر حوزه سیاست خط و نشان می‌کشند و تکلیف‌گذاری می‌کنند. بنا بر این در یک تعبیر دیگر می‌توان گفت باورها ارزش‌هایی که در بیرون از عرصه سیاست وجود دارد به عرصه سیاست تأثیر می‌گذارد و سیاست هم آن‌ها را اخذ می‌کند. در این دیدگاه اخلاقی جزیی انکارناپذیر سیاست است و حتا در ایده‌آل‌ترین حالت بر حوزه سیاست تأثیر خود را دارد.

الگوی سوم، نظریه وحدت اخلاق و سیاست. این دیدگاه بر این امر تأکید دارد که سیاست و اخلاق هر دو در صدد تأمین رفاه انسان‌اند و نمی‌توانند نقض‌کننده یکدیگر باشند. این آموزه، تنها یک روایت اخلاقی را هم‌زمان در دو عرصه زنده‌گی فردی و اجتماعی معتبر می‌شمارد و معتقد است که هر آن‌چه در سطح فردی، اخلاقی است در سطح اجتماعی و سیاسی برای

خصوصی و عمومی، بیان می‌دارد که در حوزه خصوصی رعایت هنجارهای اخلاق مسیحی امر پسندیده و به جا است اما سیاست که حوزه عمومی است از این قاعده مستثنا است. بر این مبنا، اخلاق و سیاست دو عرصه‌ی جداگانه‌اند و امر اخلاقی هیچ ارتباط و نظارتی بر امر سیاسی ندارد و بر عکس. سیاست یک حوزه خودبنیاد است که هیچ دستوری اخلاقی را اخذ نمی‌کند. هنجار‌گذاری و تعیین تکلیف با قواعد اخلاقی را نمی‌پذیرد. در نهایت می‌توان گفت که سیاست در این دیدگاه عاری از هرگونه هنجار اخلاقی متصور می‌شود.

الگوی دوم، در این الگو رابطه بین اخلاق و سیاست وجود دارد و با هم‌دیگر رابطه دارند. اما پرسشی که به میان می‌آید، این است که کم‌وکیف این رابطه چگونه است به سخن ساده‌تر، کدام یک مقدم بر دیگری است؟ آیا ارجحیت بر امر سیاسی است یا اخلاقی؟ در پاسخ، از دل این الگو دو روایت را می‌توان بیرون کشید. روایت نخست، بر تقدم سیاست بر اخلاق مبتنی است که طبق آن امر اخلاقی تابع بی‌قیدوشرط سیاست و عمل سیاسی است. در این نگرش، اخلاق و دیگر مظاهر اجتماعی تابع بی‌قیدوشرط سیاست هستند و ارزش خودشان را از آن می‌گیرند و به وسیله آن توجیه می‌شوند. سیاست به توجیه اخلاقی نیاز دارد و در حقیقت عمل سیاسی همان عمل اخلاقی است. روایت دوم این‌که امر اخلاقی به کمک متافیزیک بر امر سیاسی تقدم می‌یابد. حجم عظیمی اندیشه‌های سیاسی از یونان به بعد را

سیاست و پیوند آن با اخلاق یکی از مهم‌ترین و جدل‌انگیزترین بحث‌ها در اندیشه و فلسفه‌ی سیاسی می‌باشد. اندیشمندان و فلاسفه‌ی سیاسی در این باره نیشته‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض دارند. به تبع این اختلاف و تفاوت نظری در عرصه حیات سیاسی نیز، بحث دخالت اخلاق در سیاست همواره جدل‌آفرین بوده است. به دلیل اهمیت این موضوع به ویژه در میدان سیاست عملی، بایست نسبت این دو پدیده کاویده شود، از این رو، نوشتار کنونی با استمداد از آرای اندیشمندان سیاسی، بنا دارد که نسبت اخلاق و سیاست در قالب چند الگوی نظری به بررسی و واکاوی بگردد.

اخلاق و سیاست رابطه نزدیک اما جدل‌برانگیز دارند. اهمیت این رابطه اندیشمندان را بر آن داشته است که در این خصوص قلم بزنند. عده‌ای بر نفی رابطه اخلاق و سیاست انگشت گذاشتند. تعدادی اخلاق را تعیین‌کننده سیاست دانستند. برخی‌ها، از تقدم سیاست بر اخلاق یاد کرده‌اند و گروهی هم بر موجودیت رابطه نسبی این دو پدیده تأکید کردند. روی هم رفته دیدگاه‌ها در مورد نسبت‌شناسی اخلاق و سیاست را در قالب الگوهای زیر می‌کاوییم.

الگوی نخست، این الگو ناظر به طرد و نفی هر گونه ارتباط میان حوزه اخلاق و حوزه سیاست است. ریشه‌های فکری این روایت را بیش‌تر به مکتب واقع‌گرایان به ویژه اندیشه‌های ماکیاولی می‌توان جوید. ماکیاولی با تفکیک‌گذاری اخلاقیات در حوزه

دولت‌مردان نیز اخلاقی است و هر آن‌چه برای یکایک شهروندان غیر اخلاقی باشد، برای حاکمان نیز غیر اخلاقی تلقی می‌شود. اخلاق سیاست فردی، اخلاق سیاست جمعی است. بنا بر این، اخلاق و سیاست هر دو از شاخه‌های حکمت عملی و در پی تامین سعادت انسان می‌باشند. الگوی چهارم، که مورد موافقت نگارنده است، این است که نسبت اخلاق و سیاست نسبی است نه مطلق. یعنی به گونه‌ی مطلق نمی‌توان به سان حوزه خصوصی در حوزه سیاست هنجارهای اخلاقی را اعمال کرد. همین‌طور نمی‌توان از سیاست به گونه‌ی مطلق اخلاق‌زدایی کرد. چرا که تهی کردن عرصه سیاسی از هنجارهای اخلاقی، حیات سیاسی را پر از دسیسه‌ها، توطئه‌ها و فحاشی می‌سازد. هم‌چنان اخلاقی‌کردن کامل کنش‌های سیاسی و کشیدن خط و نشان کشیدن با هنجارهای اخلاقی برای سیاست، باعث می‌شود سیاست نتواند نسبت به منافع عمومی و رفاه و اقتدار شهروندان موفق عمل کند. از این رو، به نظر می‌رسد که پیوند این دو به گونه‌ی نسبی لحاظ شود. عرصه سیاسی را با هنجار‌گذاری‌های اخلاقی نباید چنان تنگ و محدود شود که منافع ملی، اقتدار و عزت شهروندان صدمه ببیند. هم‌چنان عرصه سیاسی نباید به بهانه منافع و مصالح مردم چنان تهی از هنجارهای اخلاقی شود که سیاست به امر نامقدس بدل شود.